



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة والسلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



عمليات

بيت المقدس



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عملیات بیت المقدس

نویسنده:

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی

ناشر چاپی:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	عملیات بیت المقدس
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۸	شناسنامه عملیات
۸	عملیات بیت المقدس
۸	اشاره
۸	علل انتخاب منطقه
۹	موقعیت منطقه
۹	وضعیت دشمن
۱۰	طرح عملیات
۱۰	اشاره
۱۰	اهداف و مأموریت
۱۱	سازمان رزم
۱۱	طرح مانور
۱۱	اشاره
۱۲	قرارگاه قدس (محور شمالی)
۱۲	قرارگاه فتح (محور میانی)
۱۲	قرارگاه نصر (محور جنوبی)
۱۳	شرح عملیات
۱۳	اشاره
۱۳	مرحله اول عملیات
۱۳	اشاره

۱۳ پاتک دشمن

۱۴ شب دوم

۱۴ مرحله دوم عملیات

۱۴ اشاره

۱۴ عقب نشینی دشمن

۱۵ مرحله سوم عملیات

۱۵ مرحله چهارم عملیات

۱۵ خسارات و تلفات دشمن

۱۶ ارزیابی عملیات

۱۷ بازتاب عملیات

۲۱ نگرانی امریکا و اتخاذ استراتژی جدید در منطقه

۲۳ افزایش حمایت کشورهای میانه رو عرب از عراق

۲۴ راه حل‌های انتخابی ایران

۲۶ گزیده‌ای از پیام امام خمینی به مناسبت فتح خرمشهر

۲۶ پاورقی

۳۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

عملیات بیت المقدس

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: عملیات بیت المقدس: آزادی خرمشهر (طراحی، اجرا، نتایج، بازتاب‌ها، واکنش‌ها) / مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. مشخصات نشر: تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲. مشخصات ظاهری: ۵۹ ص.: جدول: ۲۱×۱۱؛ س.م. + یک نقشه تا شده. شابک: ۲۰۰۰ ریال: ۵۰-۶۳۱۵-۹۶۴-X؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ چهارم) یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: *The battle of bait - al - mugaddas: liberation of Khorramshahr* ... یادداشت: چاپ دوم. یادداشت: چاپ چهارم: ۱۳۸۷ (فیبا). یادداشت: کتابنامه. موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- عملیات بیت المقدس. شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. رده بندی کنگره: DSR۱۶۰۷/ب۸۶۹ ۱۳۸۲ رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳ شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۶۵۷۹۵

مقدمه

پس از اینکه رژیم عراق در استراتژی خود که با هدف کسب پیروزی سریع بر پایه «جنگ محدود و برق آسا» طرح ریزی شده بود با شکست مواجه شد و نتوانست به اهداف اصلی خود از جمله براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و تجزیه خوزستان دست یابد، هدف محدودتری را انتخاب کرد تا با نیل به آن بتواند شرایط خود را به جمهوری اسلامی تحمیل کند. خرمشهر و آبادان که در هجوم سراسری ارتش عراق یکی از محورهای اصلی پیشروی بود، از هفته دوم، اصلی‌ترین هدف نظامی عراق شد و محور تمرکز قوا و فشار دشمن گردید اما مقاومت و از جان گذشتگی مدافعان خرمشهر اجازه نداد دشمن به راحتی به این هدف دست یابد و در مجموع ۳۴ روز طول کشید تا دشمن خرمشهر را به اشغال خود درآورد. همین دفاع متعهدانه و انقلابی مردم از خرمشهر و در ادامه آن از آبادان، سبب شد که ارتش عراق از حملات مکرر برای اشغال آبادان نتیجه‌ای کسب نکند و تنها به محاصره آبادان اکتفا کند. پس از توقیف ارتش عراق تلاش‌هایی برای آزادی خرمشهر و شکستن محاصره آبادان صورت گرفت؛ از جمله عملیات نصر (۱۶ / ۱۰ / ۱۳۵۹) و عملیات توکل (۲۰ / ۱۰ / ۱۳۵۹) با فرماندهی بنی‌صدر و به کارگیری نیروی زمینی ارتش اجرا شد، لیکن چون مبتنی بر بینش نظامی کلاسیک و سنتی بود و ارتش عراق از این جنبه برتری داشت، نتیجه‌ای حاصل نشد. پس از عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا که زمینه رشد تفکر انقلابی و اتخاذ تدابیر جدید و بروز تحول و ابتکار عمل در طرح ریزی و اقدامات [صفحه ۱۰] نظامی هموار شد و امکان هماهنگی سپاه و ارتش و نزدیکی این دو سازمان میسر گردید، تحولی عظیم در مرحله جدید جنگ به وجود آمد، طوری که در سال دوم جنگ طی ۹ ماه، چهار عملیات بزرگ با موفقیت به اجرا درآمد و در جریان آن ۸۶۰۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی آزاد شد و در پی آن دشمن ناچار به تخلیه ۲۵۰۰ کیلومتر مربع دیگر از مناطق اشغالی گردید. چهارمین و بزرگ‌ترین عملیات از سلسله عملیات آزاد سازی مناطق اشغالی، عملیات بیت المقدس بود که با اجرای آن بیش از ۵۰۰۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی آزاد شد و تحول سیاسی و نظامی عظیمی به نفع جمهوری اسلامی پدید آمد. در این دفتر که به مناسبت سالگرد آزادی خرمشهر منتشر می‌شود، تجزیه و تحلیل نظامی و سیاسی عملیات بیت المقدس، و نتایج آن به نگارش درآمده است. گفتنی است که این جزوه بخش پایانی کتاب «جنگ، بازیابی ثبات» نوشته محمد درودیان با مختصر اصلاحاتی است که برای سهولت آگاهی علاقه‌مندان از جریان عملیات بیت المقدس و آزادی خرمشهر، به این صورت انتشار می‌یابد. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ [صفحه ۱۱]

شناسنامه عملیات

نام عملیات: بیت المقدس. رمز: یا علی بن ابی طالب (ع) منطقه: غرب رودخانه کارون و شهرستان خرمشهر. مدت: ۱۰ / ۲ تا ۳ / ۳ / ۱۳۶۱. هدف: آزاد سازی شهرهای خرمشهر و هویزه و جاده اهواز - خرمشهر؛ خارج ساختن شهرهای اهواز، حمیدیه، و سوسنگرد و نیز جاده اهواز - آبادان از برد توپخانه دشمن؛ تأمین مرز بین المللی. سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی. مرحله اول عملیات: عملیات در بامداد ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۱ با سه قرارگاه عملیاتی قدس، فتح و نصر به فرماندهی قرارگاه مرکزی کربلا آغاز شد و رزمندگان با عبور از کارون موفق شدند به جاده اهواز - خرمشهر دست یابند. مرحله دوم عملیات: در این مرحله که در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۱۶ / ۲ / ۱۳۶۱ آغاز شد، رزمندگان قرارگاه‌های فتح و نصر در محور حسینی به نوار مرزی رسیدند. بنابراین دشمن مجبور شد از هویزه و جفیر عقب نشینی کند. مرحله سوم عملیات: مرحله سوم در ساعت ۲۲ روز ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۱ آغاز شد و هر چند تلفات و خسارات سنگین بر دشمن وارد آمد، لیکن هوشیاری و تمرکز نیروهای عراق در خطوط پدافندی، موجب شد رزمندگان نتوانند به اهداف تعیین شده دست یابند. [صفحه ۱۲] مرحله چهارم عملیات: در این مرحله از عملیات که با سه قرارگاه عملیاتی فتح، و نصر در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۱ / ۳ / ۱۳۶۱ آغاز شد، نیروهای عمل کننده موفق شدند پس از محاصره خرمشهر و اسیر کردن نیروهای دشمن، این شهر را در ساعت ۱۱ صبح ۳ / ۳ / ۱۳۶۱ (پس از ۵۷۵ روز اشغال) آزاد کنند. شهیدان و مجروحان: موفقیت این عملیات حاصل فداکاری همه رزمندگان شرکت کننده به خصوص ایستادگی و از جان گذشتگی حدود ۶۰۰۰ شهید و ۲۴۰۰۰ مجروح می‌باشد. نتایج: دستیابی به کلیه اهداف عملیات و وسعت منطقه آزاد شده: ۵۳۸۰ کیلومتر مربع تلفات عراق: ۱۶۰۰۰ کشته و مجروح، ۱۹۰۰۰ اسیر انهدام تجهیزات دشمن: حدود ۵۵۰، تانک و نفربر، ۵۳ هواپیما، ۵۰ خودرو، ۳ هلی کوپتر و ... غنائم: حدود ۵۰ تانک و نفربر، ۳۰۰ خودرو، ۳۰ قبضه توپ و ... [صفحه ۱۳]

عملیات بیت المقدس

اشاره

اشاره تلاش برای طرح ریزی و اجرای عملیات بیت المقدس در موقعیت بسیار حساسی انجام شد؛ وضعیت داخلی کشور با انهدام بقایای ضد انقلاب به تدریج رو به بهبودی و ثبات پیش می‌رفت. اوضاع منطقه نیز به دلیل نگرانی آمریکای از نتایج ناشی از پیروزی ایران بر عراق، به گونه‌ای آشکار ملتهب بود، ضمن این که مناسبات اعراب و اسرائیل با آمادگی اسرائیل برای تهاجم به جنوب لبنان، در وضعیت حساسی قرار داشت. در چنین موقعیتی، بی‌گمان، نتیجه عملیات بیت المقدس برای ایران، منطقه و عراق بسیار سرنوشت ساز و تعیین کننده بود، لذا سرعت عمل در اجرای این عملیات برای ایران بسیار با اهمیت بود و نقش مؤثری داشت. زمینه اجرای عملیات بیت المقدس متأثر از نتایج سلسله عملیات‌های پیشین بود که با شکستن حصر آبادان آغاز شد و پس از آن نیز ادامه یافت. این نتایج عبارت بودند از: ۱- انهدام بخش وسیعی از نیروی زمینی دشمن. ۲- آزادسازی بخش مهمی از مناطق اشغالی در منطقه جنوب کشور. ۳- آزادسازی نیروهای پدافندی خودی از مناطق اشغالی. ۴- افزایش توانایی نیروهای خودی در طرح ریزی و اجرای عملیات. ۵- افزایش تسلط اطلاعاتی بر دشمن. [صفحه ۱۴]

علل انتخاب منطقه

پس از آزادسازی مناطق غرب رودخانه کرخه در عملیات فتح المبین، منطقه عمومی غرب رودخانه کارون یعنی آخرین منطقه اشغالی جبهه‌ی جنوب که همچنان در دست دشمن قرار داشت، در روند سلسله عملیات‌های آزادسازی مناطق اشغالی قرار گرفت. بر

خلاف گذشته که در زمینه انتخاب منطقه برای عملیات گاهی بین فرماندهان نظامی اختلاف نظر به وجود می‌آمد، در مورد این منطقه اتفاق نظر کاملی وجود داشت، به همین دلیل، بلافاصله پس از اتمام عملیات فتح المبین مقدمات اجرای عملیات بیت المقدس فراهم شد. در اجرای عملیات جدید از آن جهت بر سرعت عمل تأکید می‌شد، که دشمن اطمینان داشت آزادسازی این منطقه هدف عملیات بعدی جمهوری اسلامی است، لذا سهل‌انگاری در این امر، افزایش آمادگی دشمن و دشوارتر شدن کار نیروهای خودی برای رسیدن به اهداف را در پی داشت. ضمن این که دشمن از مدت‌ها پیش بر اقدامات پدافندی خود در این منطقه افزوده بود. با آن که فرماندهان نظامی، منطقه غرب کارون را برای عملیات انتخاب کرده بودند، ولی هنوز نگرانی‌هایی وجود داشت؛ فرمانده کل سپاه در این باره گفت: «همچنان، از نظر تاکتیکی، این نگرانی وجود داشت که (آیا) دشمن در پشت جاده اهواز - خرمشهر در مقابل ایستگاه حسینی از چه موقعیتی به لحاظ استحکامات و استعداد برخوردار است؟ غلبه بر این نگرانی با به دست آوردن اطلاعات از عمق [منطقه استقرار] دشمن و همچنین پیدا کردن یک منطقه استراتژیکی - عملیاتی که کلید منطقه بود برطرف شد. منطقه جنوب کوشک تا شمال ایستگاه حسینی قلب منطقه بود که با تسلط بر این منطقه، می‌توانستیم برای دشمن مشکل ایجاد کنیم. در این منطقه لشکر ۳ به عنوان احتیاط، لشکر ۱۱ و تیپ ۴۸ در خرمشهر و لشکرهای ۵ و ۶ در شمال منطقه بودند. دوگانگی [صفحه ۱۵] مأموریت احتیاط‌های دشمن، ما را از اهمیت منطقه آگاه کرد. ما چنین پیش‌بینی می‌کردیم که در صورت دستیابی به این منطقه، می‌توانیم: ۱- عقبه لشکرهای ۵ و ۶ را تهدید کنیم (منطقه جفیر به منزله تمامی عقبه دشمن محسوب می‌شد). ۲- پیشروی به سمت بصره را تسهیل کنیم. ۳- از موقعیت سرکوب نسبت به خرمشهر و انجام تک احاطه‌ای در این منطقه برخوردار شویم.» [۱].

موقعیت منطقه

منطقه عمومی جنوب غربی اهواز و غرب رودخانه کارون، در میان چهار مانع طبیعی قرار دارد که به ترتیب از شمال به رودخانه کرخه کور، از جنوب به رودخانه اروند، از شرق به رودخانه کارون و از غرب به هور الهویزه و شط العرب منتهی می‌شود. زمین این منطقه به لحاظ برخورداری از موانع طبیعی، از چهار سمت به هم پیوسته و به شکل مستطیل می‌باشد که به دلایلی برای هر دو کشور ایران و عراق از نظر استراتژیکی با ارزش است.

وضعیت دشمن

ارتش عراق تدابیر پدافندی ویژه‌ای در این منطقه داشت. و نحوه آرایش نیروهای دشمن با توجه به موقعیت زمین به صورت مثلثی بود؛ ضلع شرقی آن به طول حدود ۱۰۰ کیلومتر در امتداد رودخانه کارون از خرمشهر تا آبادی ملیحان، واقع در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی اهواز قرار داشت؛ ضلع شمالی آن حدود ۶۰ کیلومتر از ملیحان در امتداد کرانه جنوبی رودخانه کرخه کور، هویزه، رودخانه نیسان تا هور العظیم کشیده شده بود و ضلع بزرگ این مثلث نیز خط مرزی دو کشور از محل تلاقی رودخانه نیسان با هور العظیم تا پاسگاه ژاندارمری «حدود» در کرانه نهر خین به طول ۱۵۰ کیلومتر بود. تدبیر پدافندی دشمن در ضلع شمالی مثلث که شامل شرق هور العظیم، ساحل رودخانه‌های نیسان و کرخه و ادامه خط دفاعی در [صفحه ۱۶] حوالی آبادان ملیحان و به طرف جنوب تا پادگان حمید می‌شد، چنین بود: ایجاد استحکامات فشرده، بهره‌برداری از موانع هور العظیم و مناطق آب گرفتگی، تهیه قدرت آتش بسیار و پیش‌بینی احتیاط‌های قوی برای انهدام رخنه‌های احتمالی با استقرار دست کم دو لشکر تقویت شده‌ی ۵ مکانیزه و ۶ زرهی. اساساً، تدبیر پدافندی دشمن در این منطقه مبتنی بر این باور بود که سمت اصلی تهاجم نیروهای خودی از جاده اهواز - خرمشهر خواهد بود، زیرا - بر پایه‌ی روش‌های کلاسیک - وجود این جاده به عنوان عقبه مطمئن، بهترین راه کار شناخته

می‌شد. بنابراین، دشمن علاوه بر استقرار دو لشکر تقویت شده‌ی ۵ مکانیزه و ۶ زرهی، استحکامات و مواضع بسیاری را با بهره‌برداری از موانع طبیعی ایجاد کرده بود. تدبیر پدافندی عراق در ضلع شرقی منطقه، در امتداد رودخانه کارون - با توجه به ناآگاهی دشمن از سمت اصلی تک نیروهای خودی - بسیار ضعیف بود و تنها در برخی از نقاط مواضعی را به وجود آورده و با اتکا به یگان‌های سبک تأمینی و پوششی، به احتیاط‌های متحرک و غیر متحرک بسنده کرده بود. لشکر ۳ زرهی ارتش عراق با استقرار در سه محل جداگانه در غرب جاده اهواز - خرمشهر، وظیفه دفاع را به عهده داشت. فاصله نیروهای تأمینی و پوششی دشمن از ساحل غربی رودخانه کارون سبب شد که نیروهای خودی با تدبیر عملیات عبور از رودخانه، نیروهای دشمن را غافل گیر کنند. در ضلع جنوبی (منطقه خرمشهر) دشمن در دو سمت شرقی و شمالی آرایش گرفته بود تا هر گونه عملیات عبور از رودخانه در تک جبهه‌ای به داخل خرمشهر و یا ورود به این شهر از سمت شمال را مهار کند. ایجاد استحکامات در خرمشهر با تخریب ساختمان‌ها برای جلوگیری از جنگ تن به تن، بخش دیگری از تلاش دشمن به منظور حفظ خرمشهر بود. استعداد ارتش عراق در این منطقه تا پیش از آغاز عملیات بیت المقدس چنین بود: [صفحه ۱۷] - لشکر ۶ زرهی از جنوب رودخانه کرخه تا هویزه - لشکر ۵ مکانیزه از غرب اهواز تا روستای سید عبود - لشکر ۱۱ پیاده، از سید عبود تا خرمشهر (تیپ‌های ۴۸، ۲۲، و ۴۴ از لشکر ۱۱ پیاده، مأمور حفاظت از خرمشهر بودند). - لشکر ۳ زرهی در شمال خرمشهر - تیپ ۱۰ زرهی در شرق بصره که در احتیاط قرار داشت. [۳]. برابر اسناد قرارگاه مرکزی کربلا در برآورد کلی، استعداد دشمن به شرح زیر بوده است: [۳]. نیروی پیاده ۳۶۰۰۰ تن؛ نیروی زرهی ۴۱ گردان تانک شامل ۱۴۳۵ دستگاه تانک؛ نیروی مکانیزه ۳۸ گردان شامل ۱۳۳۰ دستگاه نفربر؛ توپخانه ۵۳۰ قبضه توپ. استعداد و آرایش دشمن نشان می‌داد که عراق مصمم است با تمام قوا در این منطقه مقاومت کند؛ ضمن این که عمق و عرض زمین منطقه و نبود ناهمواری، امتیازی برای نیروهای عراقی به شمار می‌رفت، زیرا با اتکا به یگان‌های زرهی و مکانیزه، می‌توانستند در این منطقه به خوبی مانور کنند. با این حال، دشمن با برخی از محدودیت‌ها رو به رو بود؛ از جمله این که می‌بایست از سرزمین نسبتاً وسیع و عریضی دفاع می‌کرد در حالی که از نظر نیروی انسانی دچار کمبود بود. دشمن، قوای خود را به تناسب نقاط استراتژیک، حیاتی و مهم جفیر و خرمشهر، متمرکز کرده و در تدبیر پدافندی خود بیش از همه، به حفظ خرمشهر و بصره اهمیت داده بود.

طرح عملیات

اشاره

طرح ریزی عملیات بیت المقدس با توجه به تفاوت‌های آشکار زمین این منطقه با سایر مناطق عملیاتی، به ویژه منطقه عملیاتی فتح المبین، از پیچیدگی و دشواری‌های نسبتاً زیادی برخوردار بود. [صفحه ۱۸] اشاره شد که «نبودن عارضه و ناهمواری در زمین منطقه» امتیازی برای دشمن بود، زیرا یگان‌های زرهی و مکانیزه دشمن در این منطقه به خوبی می‌توانستند مانور کنند. همچنین، وسعت منطقه سه برابر منطقه عملیاتی فتح المبین بود و این علاوه بر اینکه ضرورت افزایش نیروهای خودی را ایجاب می‌کرد، برای طرح ریزی و هدایت نیروها نیز مستلزم برخورداری از توانی ویژه و پیچیدگی خاصی بود؛ به خصوص این که مهم‌ترین ویژگی عملیات بیت المقدس، طرح ریزی عملیات برای عبور نیروها از رودخانه بود.

اهداف و مأموریت

از دیدگاه نظامی، اهداف عملیات بیت المقدس شامل انهدام نیروهای دشمن و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی در غرب رودخانه

کارون و نیز تهدید بصره به منظور وارد ساختن عراق به پرداخت خسارت‌های جنگ بود. در این میان، آزاد سازی خرمشهر از نظر استراتژیکی و سیاسی اهمیت ویژه‌ای داشت. افزون بر این، خارج کردن شهرهای اهواز، حمیدیه، سوسنگرد و جاده اهواز - آبادان از برد توپخانه دوربرد دشمن، ترمیم مرز بین المللی و آزاد کردن جاده مواصلاتی اهواز - خرمشهر بخش‌های دیگری از اهداف عملیات بود. مأموریت ابلاغ شده از قرار گاه مرکزی کربلا به شرح زیر بود: «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی متشکل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی مأموریت دارند که در ساعت «س» روز «ر» در منطقه عمومی عمومی جنوب رودخانه کرخه و غرب رودخانه کارون تک نموده و ضمن انهدام نیروهای موجود دشمن و آزادسازی شهرهای خرمشهر و هویزه، خط مرز بین المللی را تأمین نموده و از حمله مجدد احتمالی به کشور اسلامی جلوگیری نمایند» [۴]. [صفحه ۱۹]

سازمان رزم

نکته مهم در سازمان رزم این عملیات همکاری نزدیک سپاه و ارتش بود که در طول دوران جنگ نظیر نداشت. یگان‌های سپاه که در این عملیات شرکت داشتند عبارت بودند از: تیپ بیت المقدس، تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) تیپ ۷ ولی عصر (عج)، تیپ ۳۰ زرهی تیپ ۸ نجف اشرف، تیپ ۳۱ عاشورا تیپ ۱۴ امام حسین (ع)، تیپ ۳۷ نور تیپ ۲۱ امام رضا (ع)، تیپ ۴۱ ثارالله تیپ ۳۲ بدر، تیپ ۴۶ فجر تیپ ۲۵ کربلا استعداد هر یگان سپاه بالغ بر ۷ تا ۱۰ گردان نیرو بود. مجموع استعداد نیروهای سپاه تا پیش از شروع عملیات، بین ۸۵ تا ۹۵ گردان پیاده و چهار گردان زرهی بود که با آغاز عملیات به ۱۰۰ گردان پیاده و زرهی رسید. یگان‌های ارتش که در این عملیات شرکت داشتند عبارت بودند از: لشکر ۱۶ زرهی، تیپ ۳۷ زرهی لشکر ۲۱ پیاده، تیپ ۵۵ هوآبرد لشکر ۹۲ زرهی، تیپ ۵۸ ذوالفقار تیپ ۲۳ نوهده، تیپ ۳ پیاده از لشکر ۷۷ مجموع استعداد نیروهای ارتش بالغ بر ۲۴ گردان زرهی و مکانیزه و ۱۴ تا ۱۵ گردان پیاده بود. [صفحه ۲۰]

طرح مانور

اشاره

با توجه به موقعیت زمین منطقه و نحوه استقرار دشمن، نیروهای ارتش و سپاه در پی بررسی‌های جداگانه دو راه کار پیشنهاد کردند که متأثر از دو بینش متفاوت بود. بنا به نظر فرماندهان ارتش، اتکا به جاده اهواز - خرمشهر و تهاجم از شمال به جنوب، بهترین راه کار برای اجرای عملیات بود به ویژه این که ارتش در عملیات ۱۶ دی ماه، موسوم به هویزه - تنومه که هدف آن استقرار در ساحل غربی رودخانه شط العرب بود، همین راه کار را انتخاب کرده بود. در این طرح عملیات عبور از رودخانه کارون - به صورت بسیار محدود - در منطقه فارسیات، تنها به عنوان تلاش پشتیبانی در نظر گرفته شده بود. راه کار دوم، عبور از رودخانه کارون به عنوان تلاش اصلی بود که فرماندهان سپاه پیشنهاد کردند. این پیشنهاد را فرمانده کل سپاه (محسن رضایی) مطرح کرد. وی بر این باور بود که در صورت عبور از رودخانه کارون و تصرف منطقه حسینی، نیروهای خودی بر نقطه سرکوب منطقه مسلط خواهند شد و موقعیت دشمن در جبهه شمالی، در خرمشهر و در شرق بصره متزلزل می‌شود. مهم‌ترین ویژگی مثبت این طرح، غافل گیر کردن نیروهای دشمن نسبت به سمت تک و عدم استقرار آنها در مواضع بود، ضمن این که نیروهای خودی نیز بر خلاف آرایش دشمن وارد زمین منطقه می‌شدند و سریع‌تر به اهداف خود به ویژه خرمشهر می‌رسیدند. بر اساس این طرح، عقبه‌های لشکرهای ۵ و ۶ ارتش عراق نیز تهدید می‌شد. با توجه به ویژگی‌های مثبت این طرح، سرانجام پیشنهاد سپاه پذیرفته شد. بنابر طرح مانور نهایی، سه

قرارگاه قدس، فتح و نصر در سه محور، اجرای عملیات را به عهده داشتند که مأموریت و سازمان هر یک به شرح زیر بود: [صفحه ۲۱]

قرارگاه قدس (محور شمالی)

این قرارگاه که در محور شمالی مأموریت داشت تا با تهاجم به خاکریزهای مقدم دشمن در جنوب رودخانه کرخه و تصرف سرپل مناسب در آن جا (جنوب رودخانه)، دشمن را همچنان درگیر نگاه دارد تا قرارگاه‌های نصر و فتح به سمت اهداف خود پیشروی کنند. قرارگاه قدس چهار تیپ مستقل از سپاه پاسداران و یک لشکر و یک تیپ مستقل از ارتش را زیر امر خود داشت که یگان‌های سپاه و ارتش به صورت ادغامی و در پنج محور کلی شامل قدس ۱، ۲، ۳، ۴، و ۵ عمل می‌کردند.

قرارگاه فتح (محور میانی)

این قرارگاه در جبهه میانی مأموریت داشت با عبور از رودخانه کارون در غرب این رودخانه، سرپلی تصرف کرده و در خیز اول خود، تا جاده اهواز - خرمشهر پیشروی کند و در مراحل بعدی عملیات، به منظور تأمین مرز، تک خود را ادامه دهد. قرارگاه فتح، سه تیپ مستقل از سپاه و یک لشکر و دو تیپ از نیروی زمینی ارتش را زیر امر خود داشت که این یگان‌ها به صورت ادغامی و در چهار محور کلی شامل فتح ۱، ۲، ۳، و ۴ عمل می‌کردند.

قرارگاه نصر (محور جنوبی)

این قرارگاه در محور جنوبی و در جناح چپ قرارگاه فتح، مأموریت داشت تا از رودخانه کارون عبور کرده و سرپلی را تصرف و تأمین کند و بنا به دستور، به پیشروی خود ادامه داده و ضمن انهدام دشمن و تأمین شهر خرمشهر و مرز، جناح چپ عملیات را پوشش دهد. قرارگاه نصر، چهار تیپ مستقل از سپاه پاسداران و یک لشکر و یک تیپ از ارتش را تحت امر خود داشت که این یگان‌ها به صورت ادغامی و در پنج محور کلی شامل نصر ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ عمل می‌کردند. مأموریت خاص هر یک از قرارگاه‌های سه‌گانه در ترکیب کلی، تأمین [صفحه ۲۲] اهداف مورد نظر را تسهیل می‌کرد. قرارگاه قدس پس از درهم شکستن مواضع استحکامات دشمن در محور شمالی، مأموریت داشت نیروهای دشمن را درگیر نگه دارد؛ موفقیت در اجرای این امر منجر به موفقیت دو قرارگاه فتح و نصر می‌شد. قرارگاه فتح پس از اجرای عملیات عبور از رودخانه به عنوان مهم‌ترین و دشوارترین اقدام عملیاتی، می‌بایست با ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر پیشروی در عمق، سرپل وسیع و گسترده‌ای را تصرف و تأمین می‌کرد. موفقیت قرارگاه فتح در این عملیات موقعیت دشمن را در کل منطقه متزلزل می‌کرد. همچنین، قرارگاه نصر مأموریت داشت با عبور از رودخانه کارون و تأمین جناح چپ عملیات، از منطقه شمالی شرقی وارد خرمشهر شود. پیچیدگی و دشواری عملیات، ضرورت مرحله‌بندی آن را ایجاب می‌کرد؛ لذا برای اجرای عملیات مراحل زیر در نظر گرفته شد: ۱- تهاجم قرارگاه قدس به خاکریز اول دشمن - برای درگیر کردن دشمن - هم زمان با عبور قرارگاه‌های نصر و فتح از رودخانه و پیشروی تا جاده اهواز - خرمشهر به منظور تأمین سرپل. ۲- پس از تأمین سرپل، قرارگاه‌های فتح و نصر می‌بایست با ادامه پیشروی، مرز را تأمین و خرمشهر را آزاد می‌کردند. ۳- ادامه تکمیل برای تأمین ساحل شرقی اروندرود و پدافند در این منطقه. نظر به دشواری‌های عملیات عبور از رودخانه که برای نخستین بار در جنگ انجام می‌گرفت، و عدم درک دشمن از توانایی ایران برای اجرای این عملیات، احتمال غافل‌گیری دشمن در تاکتیک عملیات و در نتیجه، احتمال پیروزی نیروهای خودی را افزایش می‌داد. ضمن این که نیروهای خودی با اتکا به این تاکتیک «جناح

دشمن» را مورد حمله قرار می‌دادند که این اقدام بر آسیب‌پذیری دشمن می‌افزود. در عین حال، با توجه به عملیات عبور از رودخانه، «پذیرش خطر» برای تصمیم‌گیری لازم بود زیرا در صورت آمادگی دشمن و تهاجم آنها به [صفحه ۲۳] نیروهای خودی، خسارت‌هایی که به خودی وارد می‌شد بیشتر به یک مصیبت قابل تشبیه بود تا چیز دیگر. برابر این طرح که «طرح عملیاتی کربلای ۳» نام داشت، نیروی هوایی و هوانیروز ارتش پشتیبانی عملیات را بر عهده داشتند. نقش برادران جهاد سازندگی نیز در این زمینه بسیار مهم بود.

شرح عملیات

اشاره

سرعت عمل نیروها برای کسب آمادگی لازم و فراهم سازی مقدمات اجرای عملیات بیت المقدس، همچنان از ضروریات کار به شمار می‌رفت، زیرا با توجه به افزایش جابه‌جایی‌ها و نقل و انتقالات نیروهای خودی در غرب رودخانه کارون و استقرار آنها در ساحل این رودخانه، احتمال هوشیاری دشمن وجود داشت. به همین دلیل، برخی پیشنهاد می‌کردند که پیش از آغاز عملیات، نیروهای خودی در ساحل رودخانه کارون به سرپل گیری اقدام کنند. [۵]. بدین ترتیب، پس از اقدامات و تلاش‌هایی که در کمتر از یک ماه انجام شد، در ساعت ۳ بامداد روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱، عملیات بیت المقدس با رمز «یا علی بن ابی طالب (ع)» آغاز شد. نخستین خبر درگیری با دشمن، ۵۵ دقیقه بعد از نیمه شب به قرارگاه رسید و تا سه ساعت پس از آن، به تدریج تمام یگان‌های خودی با دشمن درگیر شدند. پیشروی سریع نیروها در محور قرارگاه فتح، ابهام موجود را در مورد هوشیاری دشمن، به ویژه در این محور، برطرف کرد و مشخص شد که دشمن از سمت اصلی تک غافل بوده است. [صفحه ۲۴]

مرحله اول عملیات

اشاره

در این مرحله، یگان‌های قرارگاه قدس با دشمن درگیر شدند، اما تنها در محور قدس ۴ موفق به عبور از مواضع دشمن و تصرف سرپل در جنوب رودخانه کرخه شدند. یگان‌های قرارگاه فتح نیز توانستند به آسانی به جاده اهواز - خرمشهر رسیده و در آنجا مستقر شوند و تنها در الحاق با قرارگاه نصر دچار مشکلاتی شدند. در محور قرارگاه نصر، با وجود پیشروی برخی یگان‌ها، به دلیل ناهماهنگی در پیشروی و عوامل دیگر، درگیری به روز کشیده شد و یگان‌های این قرارگاه موفق به تأمین اهداف خود نشدند. عدم الحاق در محور قرارگاه نصر و افزایش فشار دشمن سبب شد تا کل منطقه متصرفه در محدوده‌ی قرارگاه نصر تهدید شود. در پایان روز اول عملیات، وضعیت کلی نیروهای خودی به این شرح بود: قرارگاه‌های نصر و فتح، سرپلی به وسعت ۸۰۰ کیلومتر مربع را به تصرف درآورده و قرارگاه قدس از پنج محور خود تنها در دو محور موفق به اجرای مأموریت شده بود. با توجه به وسعت منطقه‌ی سرپل و غفلت دشمن از سمت اصلی تک، تعادل دشمن در این عملیات، به طور اساسی درهم ریخت، به گونه‌ای که تا پایان عملیات، توانایی مهار اوضاع و به دست‌گیری ابتکار عمل را نداشت.

باتک دشمن

عراق پس از آگاهی از سمت اصلی تک و موفقیت نیروهای خودی در مرحله اول عملیات، تلاش‌های خود را آغاز کرد؛ دشمن ابتدا با فشاری سنگین، سرپل آزاد شده در جنوب رودخانه کرخه در محور قرارگاه قدس را باز پس گرفت. در محور قرارگاه فتح

نیز دشمن تلاش کرد، نیروهای خودی را از پشت جاده اهواز - خرمشهر عقب براند، به همین منظور، با استفاده از عدم الحاق بین دو قرارگاه فتح و نصر و با رخنه در این شکاف، فشار سنگینی به نیروهای خودی وارد آورد و سرانجام تیپ‌های ۷ ولی عصر و ۲۷ حضرت رسول (ص) را وادار به عقب‌نشینی کرد. [صفحه ۲۵] در محور قرارگاه نصر نیز وضعیت بحرانی و نامساعد بود؛ رخنه‌های موجود به دلیل عدم هماهنگی در پیشروی و انجام نشدن الحاق، موجب تشدید فشار دشمن بر نیروهای خودی شد. بنابر گزارش‌های موجود، در چنین وضعیتی صدام به نیروهایش فشار بسیاری برای باز پس‌گیری مواضع آزاد شده وارد می‌کرد. با وجود فشار شدید دشمن به ویژه در منطقه سرپل - که با به کارگیری تیپ ۱۰ زرهی آغاز شده بود - نیروهای خودی در بدترین وضعیت و در حالی که فاقد آتش پشتیبانی و مواضع مناسب بودند، به مقاومت خود ادامه دادند و با آن که تانک‌های دشمن توانستند در مواضع خودی نفوذ کنند، اما رزمندگان، با رشادتی بی‌نظیر بار دیگر رخنه‌ها را ترمیم و کل منطقه سرپل را حفظ کردند.

شب دوم

نیروهای خودی به دلیل تصرف و تأمین سرپل، در وضعیت نسبتاً خوبی به سر می‌بردند، ولی عدم تأمین عقبه و انجام نشدن الحاق به عنوان مهم‌ترین معضل عملیات موجب نگرانی فرماندهی عملیات شده بود، لذا قرارگاه‌های فتح و نصر مأموریت یافتند رخنه‌های موجود در مواضع را ترمیم کنند و قرارگاه قدس نیز موظف شد، مواضع از دست رفته را تصرف کند. بدین ترتیب، در شب دوم عملیات برخی از رخنه‌ها ترمیم شد، ولی عملیات باز پس‌گیری مواضع از دست رفته در محور قرارگاه قدس ناکام ماند و نیروهای این قرارگاه بار دیگر به مواضع قبلی خود عقب‌نشینی کردند.

مرحله دوم عملیات

اشاره

پس از مرحله اول عملیات که یک هفته طول کشید، برای اجرای مرحله دوم عملیات با توجه به استقرار دشمن در غرب جاده اهواز - خرمشهر، دو راه کار پیش‌بینی می‌شد: ۱- ادامه تک به سمت مرز به منظور دسترسی بیشتر به عقبه‌های نیروهای دشمن و تهدید بصره. [صفحه ۲۶] ۲- پیشروی به سمت خرمشهر با پیشروی از غرب جاده اهواز - خرمشهر. به نظر می‌رسید بدون انهدام نیروهای دشمن، تصرف خرمشهر با چرخش به سمت این شهر از روی جاده اهواز - خرمشهر ممکن و عملی نباشد، بنابراین، در اولویت اول می‌بایست، نیروهای دشمن منهدم و مرز تأمین می‌شد، سپس تلاش برای ورود به داخل خرمشهر انجام می‌گرفت. بر همین اساس، در مرحله دوم عملیات، دو قرارگاه نصر و فتح مأموریت یافتند به سمت مرز پیشروی کنند و قرارگاه قدس نیز موظف شد با تظاهر به تک، همچنان دشمن را درگیر نگه دارد. مرحله دوم عملیات در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۱ با هدف رسیدن به مرز بین المللی و محاصره خرمشهر آغاز شد. نیروهای قرارگاه فتح در آغاز حمله خود به جاده مرزی رسیدند ولی نیروهای قرارگاه نصر زیر فشار شدید دشمن قرار داشتند. پس از روشن شدن هوا، درگیری میان دو طرف ادامه یافت و نیروهای خودی با اتکا به کانالی که خط حد دو قرارگاه فتح و نصر محسوب می‌شد، در برابر پاتک‌های دشمن مقاومت کردند، که سرانجام، نیروهای دشمن از غرب جاده دست به عقب‌نشینی زدند.

عقب‌نشینی دشمن

دشمن در مرحله نخست عملیات، طی ده روز نیروهای بسیاری را وارد منطقه کرد تا مناطق آزاد شده را باز پس‌گیرد، ولی نتیجه‌ای

نگرفت، به ویژه این که در مرحله دوم عملیات، نیروهای خودی به سهولت به مرز بین المللی رسیده و منطقه را تصرف و تأمین کردند. در واقع، وضعیت دشمن در این منطقه به دلیل تاکتیک ویژه عملیات و حضور نیرومند قوای نظامی ایران درهم ریخته بود. به عبارت دیگر، دشمن در موقعیتی قرار گرفته بود که توان مقابله مؤثر با نیروهای خودی را نداشت و تداوم این وضعیت می‌توانست علاوه بر انهدام نیرو، بصره را نیز در معرض خطر قرار دهد، به همین دلیل، دشمن تصمیم به عقب‌نشینی گرفت. [صفحه ۲۷] در این حال، عراق برای جلوگیری از فروپاشی یگان‌هایش، به هنگام عقب‌نشینی تدبیر خاصی اتخاذ کرد. از سوی دیگر، نیروهای قرارگاه قدس پس از اطلاع از عقب‌نشینی دشمن از محور شمالی، صبح روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ پیشروی کرده و دشمن را تعقیب نمودند. بدین ترتیب، جاده اهواز - خرمشهر که در اشغال دشمن بود، آزاد شد و عقبه نیروهای خودی به جای تکیه بر رودخانه کارون، روی خشکی و با اتصال به اهواز، برقرار شد.

مرحله سوم عملیات

خبرهای رسیده مبنی بر خروج نیروهای عراقی از خرمشهر و افزایش روحیه نیروهای خودی به دلیل پیروزی در عملیات، سبب شد، مرحله سوم عملیات با شتاب بیشتری انجام شود. به نظر می‌رسید شتاب دشمن در عقب‌نشینی، به منظور جلوگیری از خسارات و تلفات بیشتر انجام می‌گرفت، لذا مرحله سوم عملیات با هدف آزادسازی خرمشهر، با به کارگیری دو قرارگاه فتح و نصر، طرح ریزی شد و در ساعت ۲۲ روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ به اجرا درآمد. حضور پرشمار نیروهای دشمن در منطقه شلمچه و همچنین، خستگی روزافزون نیروهای خودی مانع از پیشروی اساسی در این مرحله شد، لذا نیروهای خودی پس از مقداری پیشروی، در سه کیلومتری شلمچه استقرار یافتند. گرچه در این مرحله، اهداف مورد نظر به طور کامل تأمین نشد، ولی شمار بسیاری از نیروهای عراقی منهدم شدند و اطلاعاتی نیز از چگونگی آرایش دشمن به دست آمد که مقدمه مرحله چهارم عملیات و فتح خرمشهر بود.

مرحله چهارم عملیات

در پی بازسازی یگان‌ها و انتقال قرارگاه فجر از منطقه فکه با سازمان‌دهی جدید، مرحله چهارم عملیات با سازمان سه قرارگاه فتح، فجر و نصر طرح‌ریزی شد. بر اساس تدبیر جدید، مقرر شد نیروها با مسدود کردن عقبه دشمن از جاده شلمچه و سپس، ورود به داخل شهر، ضمن محاصره [صفحه ۲۸] خرمشهر، بخش وسیعی از نیروهای دشمن را منهدم و به محاصره درآوردند. مرحله چهارم عملیات در ساعت ۲۲:۳۰ روز اول خرداد ۱۳۶۱ آغاز شد. در این مرحله، نیروهای قرارگاه فتح به پلیس راه خرمشهر رسیدند و نیروهای قرارگاه فجر، پل نو را تصرف و به سمت اروندرود پیشروی کردند. در این حال، نیروهای قرارگاه نصر نیز با پیشروی در امتداد مرز و پاک‌سازی و انهدام دشمن، به سمت جنوب و به سمت نهر خین حرکت کردند. مقاومت عراقی‌ها به ویژه در پل نو به منظور باز نگه داشتن عقبه نیروهای خود، نتیجه‌ای در بر نداشت و سرانجام، در سوم خرداد ۱۳۶۱ برخلاف تصور دشمن که در دروازه‌های شرقی، شمالی و جنوبی در کمین نیروهای خودی بود. رزمندگان اسلام از دروازه‌های غربی و شمالی و از همان محوری که دشمن وارد خرمشهر شده بود، وارد خرمشهر شده و شهر را آزاد کردند.

خسارات و تلفات دشمن

میزان انهدام یگان‌های ارتش عراق که در این منطقه عملیاتی مستقر بودند یا پس از شروع عملیات وارد منطقه شدند. یگان: لشکر ۳ زرهی، میزان انهدام: ۸۰٪، یگان: تیپ ۶۰۲ پیاده، میزان انهدام: ۵۰٪، یگان: لشکر ۱۱ پیاده، میزان انهدام: ۸۰٪، یگان: تیپ ۴۱۶ پیاده، میزان انهدام: ۵۰٪، یگان: لشکر ۱۵ پیاده، میزان انهدام: ۸۰٪، یگان: تیپ ۴۱۹ پیاده، میزان انهدام: ۵۰٪، یگان: لشکر ۹ زرهی،

میزان انهدام: ۵۰٪، یگان: تیپ ۱۰ زرهی، میزان انهدام: ۴۰٪، یگان: لشکر ۱۰ زرهی، میزان انهدام: ۵۰٪، یگان: تیپ ۳۱ نیرو مخصوص، میزان انهدام: ۳۰٪، یگان: لشکر ۷ پیاده، میزان انهدام: ۴۰٪، یگان: تیپ ۳۲ نیرو مخصوص، میزان انهدام: ۳۰٪، یگان: لشکر ۵ مکانیزه، میزان انهدام: ۲۰٪، یگان: تیپ ۳۳ نیرو مخصوص، میزان انهدام: ۳۰٪، یگان: لشکر ۶ زرهی، میزان انهدام: ۲۰٪، یگان: تیپ ۲۳۸ پیاده، میزان انهدام: ۱۰٪، یگان: لشکر ۱۲ زرهی، میزان انهدام: ۲۰٪، یگان: تیپ ۵۰۱ پیاده، میزان انهدام: ۱۰٪، یگان: تیپ ۶۰۵ پیاده، میزان انهدام: ۱۰۰٪، یگان: تیپ ۹ گارد مرزی، میزان انهدام: ۱۰٪، یگان: تیپ ۴۱۷ پیاده، میزان انهدام: ۱۰۰٪، یگان: تیپ ۱۰ گارد مرزی، میزان انهدام: ۱۰٪، یگان: تیپ ۱۰۹ پیاده، میزان انهدام: ۶۰٪، یگان: تیپ ۲۰ گارد مرزی، میزان انهدام: ۱۰٪، یگان: تیپ ۶۰۱ پیاده، میزان انهدام: ۵۰٪ [صفحه ۲۹] در این عملیات ۱۹۰۰۰ تن از نیروهای عراقی اسیر و ۱۶۰۰۰ تن دیگر کشته یا زخمی شدند. همچنین، ۵۵۰ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰ دستگاه خودرو، و ده‌ها قبضه توپ، ۵۳ فروند هواپیما و سه فروند هلی کوپتر دشمن نیز در این عملیات منهدم شدند.

ارزیابی عملیات

فتح خرمشهر به عنوان بزرگ‌ترین پیروزی سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی ایران در سال دوم جنگ، از اهمیت بسیاری برخوردار بود. در این عملیات، حدود ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین‌های اشغالی آزاد شد و دشمن متجاوز برای اجتناب از تلفات بیشتر و حفظ ارتش خود و همچنین حفظ بصره، با سرافکنندگی بسیار، از خاک ایران عقب نشست. در واقع، مقاومت دشمن در خرمشهر، که موجب زمین گیر شدن نیروهای عراقی و در نتیجه، فتح خرمشهر به دست رزمندگان اسلام شد، شکست و هزیمت را برای عراق به ارمغان آورد. بدون تردید، دشمن با وجود وضعیت نامطلوبی که با آن روبه‌رو بود به دلیل اهمیت منطقه خرمشهر، تلاش می‌کرد، این منطقه را به عنوان تنها برگ برنده حفظ کرده و جنگ را آبرومندانه تمام کند، ضمن این که از احتمال سقوط بصره نیز نگران بود. در چنین وضعیتی و به موازات تلاش رزمندگان برای آزاد سازی خرمشهر، دشمن تلاش‌های مضاعفی را برای آمادگی نیروهای خود جهت حفظ خرمشهر انجام داد؛ به همین دلیل دشمن در این عملیات به لحاظ مکان و تا اندازه‌ای در مورد زمان هوشیار بود و از این دو جنبه غافل گیر نشد. [۱۶] به عبارت دیگر، باید دلیل شکست دشمن و پیروزی نیروهای خودی را مورد ارزیابی دقیق قرار داد. سردار غلامعلی رشید در مورد ضرورت ریشه‌یابی این موضوع می‌گوید: «صحنه نبرد در دوران جنگ، میدان تحقق استراتژی طرفین است. باید بپذیریم، یک کشور در شرایط جنگ، بدون خونریزی از اندیشمندان نظامی، متفکران نظامی و رهبران نظامی قادر به اتخاذ و اجرای یک استراتژی موفق نخواهد بود؛ یعنی نمی‌توانیم بگوییم که در [صفحه ۳۰] یک دوره جنگ، بدون دلیل و بدون استراتژی، همین طور موفق شدیم مسلماً این موفقیت ریشه دارد. باید برگردیم، ببینیم صاحبان این استراتژی نظامی چه کسانی بودند و چه کسانی آن را انجام دادند؟» [۱۷]. بدون تردید آزادسازی مناطق اشغالی و فتح خرمشهر نتیجه‌ی یک استراتژی برتر بود. [۱۳] پیروزی‌های پی‌درپی در عملیات‌های چهارگانه، در مقایسه با شکست بنی‌صدر در عملیات‌های چهارگانه، تنها به دلیل بینش نظامی مبتنی بر حضور نیروهای مردمی و انقلابی در عرصه جنگ و ترکیب مقدس ارتش و سپاه بود. سردار رشید در مورد ویژگی‌های یک استراتژی موفق که به تدبیر نیروهای انقلابی و مردمی اتخاذ شد، چنین توضیح می‌دهد: «در هر استراتژی موفق، سه ویژگی وجود دارد که در استراتژی آزادسازی مناطق اشغالی قابل مشاهده است: ۱- انطباق با واقعیات؛ ۲- به کارگیری کلیه امکانات و مقدرات؛ ۳- شناخت کامل از دشمن.» [۱۴]. با آزاد سازی مناطق اشغالی و اثبات درستی استراتژی و رفتار و عملکرد ناشی از آن، نقش تعیین کننده سپاه در جنگ تثبیت شد. در واقع، بلوغ و تکامل اندیشه دفاعی سپاه [۱۵] و توانایی و قدرت نظامی این نیرو با برگزاری نماز شکر رزمندگان اسلام در مسجد جامع خرمشهر، جایگاه و نقش خود را یافت و از این پس، سپاه به عنوان یک سازمان نظامی نیرومند و توانا در سطح ملی نهادینه و مورد شناسایی قرار گرفت. [۱۶] همچنین سپاه علاوه بر گسترش

سازمان رزم، [۱۷] در ابعاد طرح ریزی و اجرای عملیات نیز قابلیت و برجستگی‌های خود را نمایان کرد. [صفحه ۳۱] در طراحی مانور عملیات، با توجه به موقعیت زمین منطقه و درکی که از تلاش‌ها، آرایش دفاعی و محل استقرار نیروهای احتیاط دشمن وجود داشت، انتخاب راه کار مناسب با پیشنهاد و تصرف سرپل بزرگ، منجر به تغییر اوضاع به سود ایران شد. فرمانده سپاه پاسداران در این باره توضیح می‌دهد: «من به برادرها گفتم، بایستی سرپل عمیق بگیرید. علت این که برادران ارتشی ما می‌گفتند که سرپل کوچک بگیریم، [۱۳] حرف منطقی آنها این بود که ما بایستی یک سرپل داشته باشیم و بعد پل هایمان را نصب کنیم و نیروها را از آن طرف ببریم و آرایش بدهیم. من گفتم نه، باید با سرعت خودمان را به جاده اسفالت اهواز - خرمشهر برسانیم. این حرکت موجب می‌شد تمام قوای دشمن در محاصره قرار بگیرد و موجب نگرانی آنها شود.» [۱۴]. نشانه‌های موفقیت این حرکت به عنوان ویژگی مانور عملیات، با عقب‌نشینی لشکرهای ۵ و ۶ ارتش عراق نمایان شد. دشمن با این عقب‌نشینی، منطقه مقابل قرارگاه قدس را فدای حفظ بصره کرد و پس از آن نیز با افزایش فشار نیروهای خودی، خرمشهر را فدای بصره کرد. بنابراین، فروپاشی دشمن را باید در ویژگی طرح مانور عملیات و سرعت عمل نیروها در عبور از رودخانه و تصرف سرپل بزرگ جست‌وجو کرد، فرمانده سپاه ادامه می‌دهد: «در حقیقت ما قاطعیت و صلابت را در تصمیم‌گیری دشمن خرد کردیم و این باعث شد که حرکت ما روان شود.» [۱۵]. با توجه به ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر که در وضعیت خاصی انجام گرفت. یکی از مسائل مهمی که نیاز به بررسی دارد، علت توقف ایران در عملیات بیت المقدس در مرزهای بین المللی و خودداری نیروها از ادامه‌ی پیشروی به سمت بصره می‌باشد. در واقع، تأخیر در پیشروی به سمت بصره منجر به تحکیم مواضع دشمن و در نهایت ناکامی در عملیات رمضان شد. حال آن که اصل مهم نظامی «استفاده از موفقیت و تعقیب دشمن» ایجاب [صفحه ۳۲] می‌کرد، نیروهای ایران در موقعیتی که دشمن از نظر روحی و استحکامات دچار ضعف ضعف و استیصال شده بود، به سمت بصره پیشروی کنند. فرمانده سپاه درباره علت انجام ندادن این امر مهم، مشکلات نظامی را مورد تأکید قرار می‌دهد: «حدس می‌زدیم که ممکن است به سمت بصره برویم، ولی موفق نشویم. علت این که ما از بصره دست کشیدیم، همین فکر بود، اذاً ترجیح دادیم خرمشهر برای ما و بصره برای دشمن باشد.» [۱۶]. از سوی دیگر، دشمن در آخرین مراحل عملیات به دلیل عدم اطمینان در مورد سمت حرکت نظامی نیروهای ایرانی، تصمیم گرفت، از خرمشهر خارج شود، ولی بصره را حفظ کند، لذا با توجه به اندیشه دفاع از بصره، خرمشهر را از دست داد. بدین ترتیب، طی ۹ ماه مناطق اشغالی ایران آزاد شد و در این میان، عملیات شگفت‌انگیز بیت المقدس (فتح خرمشهر) آخرین عملیات از سلسله عملیات‌های آزادسازی مناطق اشغالی بود که به اجرا درآمد. عراق پیش از این، به دلیل وضعیت سیاسی داخلی ایران و نتایج سلسله عملیات‌های ناموفقی که در پاییز و زمستان سال ۱۳۵۹ به فرماندهی بنی‌صدر انجام گرفته بود، از نظر استراتژیکی در غفلت کامل به سر می‌برد و در واقع، نقطه ثقل تحولات جنگ را نادیده گرفته بود. تا آنجا که بسیاری از مقام‌های عالی رتبه عراق در طول تابستان ۱۹۸۱ میلادی (۱۳۶۰) کاملاً متقاعد شده بودند که دولت ایران تا پاییز (۱۳۶۰) سقوط خواهد کرد. [۱۷] ولی پیدایش وضعیت جدید به منزله‌ی شکست استراتژی عراق مبنی بر «تحمیل صلح با حفظ قلمرو» بود. به همین دلیل، بدیهی بود که دولت عراق با اعلام عقب‌نشینی از سایر مواضع اشغالی، امکان افزایش حمایت جهانی از خود و در مقابل، فشار بر ایران را برای پایان دادن به این جنگ، فراهم کند. [صفحه ۳۳]

بازتاب عملیات

بن بست نظامی حاکم بر جنگ [۵۲] که ناشی از ناتوانی نظامی دو کشور ایران و عراق در تغییر موازنه سیاسی - نظامی بود، منجر به شکل‌گیری و تقویت این نظریه شد که دو طرف درگیر با بهره‌گیری از قدرت نظامی، توانایی تغییر اوضاع را به سود خود ندارند. با شکل‌گیری روند آزادسازی مناطق اشغالی و سرانجام، فتح خرمشهر، بار دیگر جنگ ایران و عراق، در کانون توجه جهانیان قرار

گرفت. در این حال، تحلیل محافل کارشناسی، ناظران، شخصیت‌ها و مقام‌های رسمی کشورها، در مورد پیدایش روند جدید در جنگ، نمایانگر نوعی غافل‌گیری و اظهار شگفتی همراه با نگرانی بود. با این حال، همه‌ی نظرها و تحلیل‌های ارائه شده بر این نکته تأکید داشتند که پیروزی ایران در عملیات بیت المقدس به عنوان نقطه عطف [۵۳] می‌تواند سرنوشت جنگ را تعیین کند. چنان که روزنامه گاردین چاپ انگلیس این روزی را نقطه عطفی در جنگ میان دو کشور دانست [۵۴] و روزنامه لوموند، چاپ فرانسه نیز بر این مسئله تأکید کرد که «نبرد خرمشهر سرنوشت جنگ را تعیین خواهد کرد» [۵۵] فایننشال تایمز نیز نوشت: «خرمشهر به منزله کلید پیروزی جنگ است و خرمشهر تنها سمبل واقعی پیروزی عراق و سمبل مقاومت [۵۶] سرسختانه نیروهای ایران است.» [۵۷].

[۳۴] همچنین، یک دیپلمات غربی در بغداد گفت: «خرمشهر یک جایزه بزرگ است، اگر ایرانی‌ها آن را پس بگیرند، عراقی‌ها حرفی برای گفتن خواهند داشت.» [۵۸]. خبرگزاری آسوشیتدپرس سقوط خرمشهر را شکستی [۵۹] توهین آمیز و واقعی برای دولت صدام در جنگ ۲۰ ماهه ارزیابی کرد. [۶۰] رادیو لندن نیز به نقل از کارشناسان، [۶۱] پیروزی در خرمشهر را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پیروزی‌های ایران برشمرد. [۶۲]. در سایر تحلیل‌هایی که درباره آثار ناشی از شکست عراق در عملیات بیت المقدس مطرح می‌شد، به موضوعاتی همچون: «تحقیر ارتش عراق»، «از دست دادن مهم‌ترین و بزرگ‌ترین انگیزه عراقی‌ها» [۴۶] «در تیررس قرار گرفتن مناطق نفت خیز عراق» [۴۷] و «توانایی ایران برای پیشروی به مرز و داخل خاک عراق» [۴۸] اشاره شده است. درباره‌ی ریشه‌یابی علل برتری نظامی ایران بر عراق و دست‌یابی نیروهای خودی به پیروزی درخشان، روزنامه لوس آنجلس تایمز نوشت: «استراتژی نظامی ایران بر عراق برتری داشته و ایرانیان حملات خود را با نیروی زیاد بر صفوف عراقی‌ها در خوزستان وارد آورده‌اند. علاوه بر آن، ایرانیان دارای ایثار، از خود گذشتگی و میل به شهادت بوده و با شوقی انقلابی برای آزادی سرزمین‌هایشان می‌جنگند. در مقابل، سربازان عراقی اعتماد به نفسشان را از ابتدای جنگ از دست داده و...» [۴۹]. روزنامه واشنگتن پست نیز به نقل از مقام‌های آمریکایی نوشت: «مقام‌های آمریکایی از این که ایران توانسته به فاصله کمی از حمله ماه مارس (فتح المبین) چنین ضربه بزرگی بر عراق وارد آورد، اظهار تعجب نمودند و افزودند که ایران تاکتیک حمله زمینی را به نحو احسن انجام داده است، عملیاتی که عراق هنوز در آن موفق نبوده [صفحه ۳۵] است. بر طبق محاسبات پنتاگون، تا به حال ایران چهار حمله عظیم داشته است، لیکن این حمله اخیر قاطع‌ترین آنهاست.» [۵۰]. این نشریه همچنین با اشاره به شیوه حملات زمینی ایران و تکمیل آن در مراحل مختلف، تأکید کرد که عراقی‌ها هنوز یارای فراگیری آن را ندارند. خبرگزاری فرانسه نیز به نقل از کارشناسان نظامی خارجی مقیم تهران، با اظهار شگفتی از نحوه هماهنگی عملیات به لحاظ زمانی و مکانی، بیان کرد: «نیروهای مسلح ایران (ارتش، بسیج، سپاه) ثابت کردند که از یک انسجام بهت‌آور و غیرمترقب برخوردارند. نیروهای بسیج که تجهیزات نظامی اندک ولی انگیزه‌های مذهبی عمیقی دارند، عامل تعیین‌کننده‌ای را در پیروزی‌های اخیر ایرانیان تشکیل می‌دهند.» [۵۱]. تلویزیون شبکه یک آلمان با تأکید بر نقش پاسداران و بسیجیان در جنگ گفت: «البته نه این که اسلحه‌های مدرن شاه بار سنگین این جنگ را به عهده داشته باشد. بلکه بیشتر از همه، پاسداران انقلاب و بسیجیان که توسط پاسداران، بسیار کم‌تعلیم دیده‌اند، در این جنگ نقش دارند و در هفته‌های اخیر سنگرهای عراقی را تسخیر کرده‌اند.» [۵۲]. مجله آلمانی اشپیگل نیز «روحیه شهادت طلبی و تعصب» [۵۳] را عامل پیروزی‌های اخیر ایران دانست. و مجله پاکستانی مسلم بر «نقش ایمان و قدرت روحی» [۵۴] تأکید کرد. در نخستین بررسی‌های ریشه‌یابی علل رسیدن ایران به پیروزی سریع، [۵۵] آنچه بیش از هر عامل دیگری مورد توجه قرار گرفت، موقعیت جدید نظامی ایران و برتری آن بر عراق و در مقابل، وضعیت نامطلوب عراق بود بی‌گمان، نتایج ناشی از این وضعیت می‌توانست تأثیرات کاملاً آشکار و تعیین‌کننده‌ای را در زمینه سیاسی، در داخل عراق و در سطح منطقه [صفحه ۳۶] داشته باشد. روزنامه الاهرام چاپ مصر به نقل از کارشناسان نظامی، در مورد موقعیت عراق در جهان عرب و تأثیر رخدادهای جنگ بر منطقه، نوشت: «عراق در دروازه شرقی جهان عرب قرار دارد و نتایج آنچه که در آن منطقه روی می‌دهد، با سرعتی سرسام‌آور در سراسر منطقه

عربی منعکس خواهد شد.» [۵۶]. چند روز بعد، همین روزنامه در مقاله‌ای به قلم سر دبیر خود نوشت: «شکست عراق نه تنها موجب سقوط دولت و اشغال خاک این کشور خواهد شد، بلکه این به نوبه خود فاجعه بزرگی است و به سقوط پی‌درپی دولت‌های خلیج فارس می‌انجامد.» [۵۷]. روزنامه نینی دویر چاپ آنکارا به نقل از منابع دیپلماتیک در بغداد، با تأکید بر پیوستگی سقوط صدام با تحولات منطقه خلیج فارس نوشت: «سقوط صدام حسین و تحولات سیاسی آینده خلیج فارس به پیشروی نیروهای ایرانی که روز به روز ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرند، بستگی دارد.» [۵۸]. خبرگزاری آسوشیتدپرس در منامه نیز با بررسی تأثیرات آزادی خرمشهر بر وضعیت سیاسی عراق و منطقه، گزارش داد: «سقوط این شهر (خرمشهر) به دست ایرانی‌ها سبب به هم ریختن رژیم صدام حسین و بروز مشکلاتی در سایر نقاط خلیج فارس خواهد شد و این مسئله اخیراً به نحو گسترده‌ای در مجلات عربستان منعکس شده است.» [۵۹]. درباره‌ی تأثیر پیروزی‌های ایران بر موقعیت صدام و وضعیت سیاسی دولت عراق، در رسانه‌های خبری، از قول کارشناسان نظامی و منابع دیپلماتیک به مواردی اشاره شده که خواندنی می‌باشد، مجله نیوزویک «بی‌اعتبار شدن صدام» و سرنگونی را به عنوان نتایج شکست [عراق] در خرمشهر ذکر کرد. [۶۰]. همچنین در این نشریه، مواردی همچون «خودکشی سیاسی رژیم بغداد «ابهام در مورد بقای سیاسی صدام» و «آینده مبهم برای رژیم عراق» مورد تأکید قرار گرفت. روزنامه دی‌ولت چاپ آلمان نیز نوشت: [صفحه ۳۷] «عراق در جنگ خلیج (فارس) علیه ایران و علیه انقلاب اسلامی آیت‌الله خمینی، هم از نظر سیاسی و هم از نظر نظامی باخته است. این نظریه‌هایی است که در تمام پایتخت‌های عربی به دست آمده است.» [۶۱]. روزنامه زود دویچه سایتونگ چاپ آلمان درباره‌ی وضعیت عراق در جنگ نوشت: «بدین ترتیب، بغداد آخرین تکیه گاهش را برای مذاکره و جهت حفظ آبرویش از دست داده است [۶۲] و از نظر نظامی دیگر صدام نجات دانی نیست، حتی اگر ایرانی‌ها به عراق وارد نشوند.» [۴۶]. البته برخی معتقد بودند که گرچه صدام با حمله به ایران و شکست در جنگ اشتباه بزرگی را مرتکب شد، ولی سقوط حکومت عراق به آسانی امکان‌پذیر نیست، زیرا امنیت داخلی عراق کاملاً تحت نظر دولت عراق قرار دارد، و از سوی دیگر، کشورهای عربی نیز الزاماً از عراق جانبداری خواهند کرد. [۴۷]. در این روند، «تثبیت نظامی - سیاسی ایران» و «پیروزی نظامی بر عراق»، به منزله پیروزی انقلاب اسلامی و چیره شدن بر معضلات ناشی از بحران داخلی و تجاوز خارجی ارزیابی می‌شد. به عبارت دیگر، توانایی نظامی ایران موجب تحول در صحنه نبرد شد و تأثیرات احتمالی آن در حوزه سیاسی در داخل عراق و در سطح منطقه مورد بررسی و توجه ناظران قرار گرفت. به این معنا، پیدایش نتایج ناشی از این وضعیت، بیانگر منطبق حاکم بر تغییر ماهیت جنگ بود. در واقع، ترغیب عراق و حمایت از این کشور برای حمله به ایران، به دلیل نگرانی از تحولات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و سقوط شاه بود. مخالفان انقلاب اسلامی امیدوار بودند؛ با تهاجم دولت بعث عراق، جمهوری اسلامی در گرداب بی‌ثباتی داخلی و تجاوز خارجی افتاده و سرانجام از پای درآید. ولی در مقابل، ایران با پیروزی‌های نظامی خود، در [صفحه ۳۸] موقعیت جدید و برتری، قرار گرفت. در این حال ارگان حزب سوسیالیست کارگر انگلستان در این زمینه نوشت: «ایران در محاصره اقتصادی بود و نمی‌توانست هیچ سلاح و قطعه یدکی دریافت کند و دائماً تحت حمله تبلیغاتی بود. کسانی چون فرد هالیدی مرتباً با اظهار نظر خود سم تبلیغاتی علیه ایران تهیه می‌دیدند و ادعا می‌کردند که انقلاب ایران و رهبر آن امام خمینی قادر به تحمل حمله عراق نیستند. آنها مدعی بودند که «نظام ایران سرنگون می‌شود و اقتصاد ایران ورشکسته است و به زودی در ایران جنگ داخلی روی می‌دهد. ارتش شورش کرده و دست به کودتا می‌زند، مردم از جنگ خسته شده پشت جبهه را تقویت نمی‌کنند و دست به راهپیمایی و تظاهرات علیه دولت می‌زنند.» اما تمام این حرف‌ها غلط از آب درآمد و نه تنها ایران به پیروزی نظامی دست یافت، بلکه انقلاب اسلامی نیز قدرتمندتر شده و به پیشرفت خود ادامه می‌دهد.» [۴۸]. روزنامه لوموند نیز در مورد تأثیرات جنگ بر اوضاع داخلی ایران نوشت: «جنگ به حکومت ایران اجازه داد که ضمن برقراری مجدد اتحاد مقدس - از آن نوع که به وی فرصت داد تا رژیم سلطنتی را سرنگون کند - به پاسداران بازوی نیرومند انقلاب اسلامی، عمده‌ترین نیروی نظامی، کشور اهمیت خاصی

داده شود و جناح‌های مختلف لیبرال یا چپی تصفیه شوند و این خود نشانه یکی از عمده‌ترین پیروزی‌های جمهوری اسلامی در مقابل رژیم بعثی بغداد است.» [۴۹]. رادیو لندن نیز در تفسیر خبری گفت: «جنگ نه تنها جمهوری اسلامی آیت‌الله خمینی را تضعیف نکرد، بلکه به رهبری آن انسجام بخشید و اکنون این دولت صدام حسین در بغداد است که بی‌ثبات جلوه می‌نماید.» [۵۰].

سفیر سابق آمریکا در عربستان نیز بر این مسئله تأکید کرد که عراق با هجوم به سرزمین‌های ایران، می‌خواست شاهد سقوط جمهوری اسلامی ایران باشد، ولی این آرزو با برتری نیروهای ایران اتفاق نیفتاد. [۵۱] رادیو [صفحه ۳۹] آلمان غربی نیز به این مسئله اشاره کرد که صدام نتوانست به هدفش که سقوط حکومت ایران بود، برسد و خود را از خطر انقلاب اسلامی برهاند، [۵۲] حال آن که اکنون عراق با ناثباتی روبه‌رو شده و صدام باید از سقوط حکومت خود بیمناک باشد [۵۳] در مجموع، وضعیت ایجاد شده این حقیقت را روشن کرد که اگر قرار باشد با توسل به شیوه‌های نظامی مسئله جنگ را حل و فصل کرد، ایران در این زمینه از وزنه سنگین‌تری برخوردار است. بدین ترتیب، در حالی که تصور می‌شد تجاوز نظامی عراق پایان بخش حیات سیاسی نظام انقلابی ایران خواهد بود، روند تحولات جنگ اوضاع را به گونه‌ای تغییر داد که سرنوشت سیاسی صدام و تداوم بقای دولت حاکم بر بغداد، در معرض ابهام و تردید قرار گرفت. پیدایش این وضعیت منجر به تغییر مواضع عراق، افزایش نگرانی آمریکا و اتخاذ مواضع و سیاست‌های جدید در منطقه و برخورد با ایران و همچنین افزایش حمایت و گسترش تحرکات دیپلماتیک کشورهای عرب پشتیبان عراق شد. در این حال، دولت عراق بر اثر درماندگی در برابر وضعیت جدید، به طور تلویحی نقش و موقعیت خود برای آمریکا و نیز «جنگ نیابتی» علیه ایران را یادآوری کرد. نشریه‌ای به نقل از یک مقام عراقی نوشت: «عراق به نیابت از جانب آمریکا با ایران می‌جنگد. عراق با مقابله با جمهوری اسلامی در حقیقت خواسته کار آمریکا را بدون آن که هزینه‌ای برای واشنگتن در برداشته باشد، انجام دهد.» [۵۴]. آسوشیتدپرس نیز در گزارشی اعلام کرد که عراقی‌ها ادعا می‌کنند برای جلوگیری از گسترش انقلاب اسلامی (بنیادگرایی) ایران به عراق و کشورهای طرف‌دار غرب و نفت‌خیز حوزه خلیج فارس از جمله عربستان و کویت، با این کشور می‌جنگند [۵۵] اعتراف عراقی‌ها به نقش خود در تأمین منافع غرب در حالی بیان شد که دولت عراق برای خروج از وضعیت بحرانی، شدیداً به پشتیبانی دوستان غربی [۵۶] و منطقه‌ای خود نیاز داشت. [صفحه ۴۰] عراقی‌ها همچنین برخلاف مواضع قبلی خود - قبل از جنگ و قبل از شکست در تلاش برای «تجزیه ایران» و لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر - در وضعیت جدید اعلام کردند که هیچ‌گونه نظر توسعه طلبانه‌ای به خاک ایران ندارند. [۵۷] سعدون حمادی، وزیر خارجه عراق نیز آمادگی کشورش را برای تخلیه مناطق اشغالی اعلام کرد. [۵۸] عراق همچنین آمادگی خود را برای مذاکره در هر مورد، حتی رودخانه اروند، اعلام کرد. [۵۹] بخش فارسی رادیو بغداد به نقل از صدام گفت: «رهبری عراق، جناب آقای صدام حسین، بارها از طریق رسانه‌های گروهی، رادیو، روزنامه، و هیئت‌های حسن نیت اسلامی اعلام نموده است که ما طمع به خاک ایران نداریم، ما آماده‌ایم که آخرین وجب خاک ایران را ترک گوئیم. ما جنگ افروز نیستیم و نمی‌خواهیم منطقه ناامن باشد و منافع ما و هر انسان دیگر در صلح و آرامش تأمین می‌شود.» [۶۰]. نگرانی عراق از سرانجام جنگ و وضعیت نامطلوبی که گرفتار آن بود، تأثیر مستقیمی در موضع‌گیری‌های جدید این کشور داشت. بی‌گمان، تأکید عراق بر پایان داد به جنگ و اتخاذ مواضع صلح‌جویانه می‌توانست موقعیت سیاسی این کشور را بهبود بخشد. رادیو لندن در این باره گفت: «به احتمال زیاد رهبران عراق به این نتیجه رسیده‌اند که عقب‌نشینی به مرز بین‌المللی همراه با تقویت مواضع دفاعی در پشت مرز، بهترین روش برای پایان دادن به جنگ است.» [۶۱].

چنین به نظر می‌رسد که امریکایی‌ها در متقاعد کردن دولت عراق برای عقب‌نشینی از مناطق اشغالی ایران نقش برجسته‌ای داشتند. این اقدام عراق می‌توانست در چارچوب سیاست آمریکا مبنی بر پایان دادن به جنگ معنا پیدا کند. زیرا امریکایی‌ها در اوضاع جدید، قادر شدند با حمایت از عراق و فشار بر ایران اهداف و منافع خود را پیگیری کنند. در این حال، «بمباران جزیره خارک» به وسیله‌ی هواپیماهای عراقی قابل تأمل است. این اقدام در حالی صورت گرفت که عراق شعار صلح طلبی سر می‌داد. اگر عراقی‌ها بر

پایان دادن به جنگ و برقراری صلح تمایل داشتند، [صفحه ۴۱] اساساً نباید جزیره خارک را مورد حمله قرار می‌دادند. به همین دلیل، این اقدام عراق را باید در چارچوب سیاست‌های امریکا و به عنوان تهدید علیه ایران ارزیابی کرد. [۶۲].

نگرانی امریکا و اتخاذ استراتژی جدید در منطقه

نخستین واکنش مقام‌های رسمی آمریکا در مورد جنگ، پس از عملیات طریق القدس و با مشاهده پیروزی ایران ابراز شد. پیروزی در عملیات فتح المبین بر نگرانی امریکایی‌ها افزود و همین مسئله سبب شد تا ضرورت اتخاذ استراتژی جدید مورد تأکید قرار گیرد. با آغاز عملیات بیت المقدس، سخنان مقام‌های امریکا نشان‌دهنده‌ی افزایش این نگرانی بود، [۶۳] چنان که هیگ، وزیر خارجه وقت امریکا به طور رسمی مخالفت دولت امریکا را با هر گونه تحول در منطقه اعلام کرد: «امریکا در برابر هر گونه تغییر اساسی در منطقه خلیج فارس که ناشی از جنگ عراق و ایران باشد، بی تفاوت نخواهد بود.» [۶۴]. وی همچنین در دیدار با مقام‌های ترکیه گفت که پیروزی ایران در جنگ نگرانی‌های عمیقی را در خاورمیانه به وجود خواهد آورد. [۶۵] در واقع، هر گونه تحول اساسی ناشی از جنگ در منطقه می‌توانست متأثر از دو حادثه «سرنگونی حکومت بعث عراق» و یا «ادامه جنگ در داخل خاک عراق» باشد. در این زمینه، رادیو اسرائیل به نقل از مقام‌های امریکایی گفت که خطر سرنگون شدن حکومت فعلی عراق - خواه در اثر شکست جنگی با کودتای داخلی - پی آمده‌های بسیار خطرناکی برای امنیت حوزه خلیج فارس خواهد داشت. [۶۶] روزنامه واشنگتن پست نیز به نقل از مقام‌های امریکایی نوشت: «نگرانی امریکا و کشورهای منطقه این است که ایران پس از پیروزی تشویق شده و می‌خواهد جنگ را به داخل خاک عراق بکشد.» [۶۷]. [صفحه ۴۲] روزنامه نیویورک تایمز نیز به نقل از مقام‌های وزارت خارجه امریکا نوشت: «امریکا این حادثه (پیروزی ایران) را شکست بزرگ روانی و نظامی برای رژیم صدام حسین می‌داند و کابینه ریگان در مورد احتمال حمله ایران به داخل خاک عراق و با سرعت بخشیدن به فشارها و خرابکاری از داخل به قصد سرنگونی رژیم صدام، نگران است.» [۶۸]. روزنامه واشنگتن پست همچنین به نقل از مقامات امریکایی، موقعیت ایران را برای ادامه جنگ در داخل خاک عراق مثبت ارزیابی کرده و نوشت که این اقدام می‌تواند در خلیج فارس پی آمده‌های گسترده و ماندگار داشته باشد. [۶۹] به همین دلیل، کاسپار واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا به طور رسمی اعلام کرد: «پیروزی ایران در جنگ با عراق به نفع امریکا نخواهد بود.» [۷۰]. تغییر توازن در منطقه مهم‌ترین نتیجه‌ای بود که در صورت پیروزی ایران بر عراق، ایجاد می‌شد. پیدایش این وضعیت، اساساً با منافع حیاتی امریکا در منطقه مغایرت داشت. وزیر خارجه امریکا در مورد احتمال تغییر موازنه در منطقه و بهره‌برداری شوروی از پیروزی‌های ایران، گفت: «این خطر بزرگ وجود دارد که جنگ به کشورهای همسایه نیز سرایت کند و هم اکنون هم مناسبات بین کشورهای عربی را تیره ساخته است.» [۷۱] از این گذشته امکان دارد دگرگونی‌های پیش‌بینی نشده و دوردستی را در موازنه منطقه به وجود آورد و به شوروی فرصت دهد، به گسترش نفوذ در منطقه بپردازد.» [۷۲]. به همین دلیل، امریکایی‌ها خواهان برقراری توازن در منطقه بودند و این امر تنها با جلوگیری از پیروزی ایران بر عراق امکان‌پذیر بود، در غیر این صورت، امریکا نمی‌توانست مهار اوضاع منطقه استراتژیک خلیج فارس را در دست بگیرد. [۷۳] کیسینجر، در همین زمینه با تأکید بر ضرورت پایان دادن به جنگ برای حفظ توازن قوا، گفت: [صفحه ۴۳] «اگر عراق جنگ را برده بود، امروز نگرانی و وحشت در خلیج (فارس) نبود و منافع ما در منطقه به آن اندازه که اینک در خطر دارد، مخاطره (آمیز) نمی‌شد. در هر حال، با توجه به اهمیتی که توازن قوا در این منطقه دارد، این به نفع ما است که هر ه زودتر آتش بس برقرار کرده و تدریجاً به رژیم سازش کاری که در آینده احیاناً جایگزین رژیم ایران می‌شود، نزدیک شویم.» [۷۴]. بی‌تردید، مهار نتایج و تأثیرات پیروزی‌های نظامی ایران و جلوگیری از سقوط احتمالی حکومت عراق، محور ثقل تلاش‌های امریکا در آستانه فتح خرمشهر و پس از آن بود. در چنین اوضاعی، امریکایی‌ها تحولات ناشی از پیروزی‌های اخیر ایران را حتی از درگیری حل نشده اعراب و اسرائیل، بالقوه خطرناک‌تر و

مهم‌تر ارزیابی می‌کردند. [۷۵] وزیر خارجه آمریکا به دلیل همین نگرانی‌ها، در اجلاس ناتو در لوکزامبورگ با متحدان اروپایی آمریکا در این زمینه بحث و گفت‌وگو کرد. [۷۶]. بر پایه اطلاعات محرمانه سازمان جاسوسی آمریکا، نیروهای عراقی در مرز از هم پاشیدگی قرار داشتند. [۷۷] و آمریکا نمی‌توانست از کنار این مسئله به سادگی بگذرد. روزنامه کریستین ساینس مانیتور در این زمینه نوشت: «خطر گسترش جنگ به خارج از مرزهای ایران، ثبات منطقه را مورد تهدید قرار داده و آمریکا به بررسی سیاست استراتژیکی دشمن در خلیج فارس پرداخته است.» [۷۸]. هیگ، وزیر خارجه آمریکا درباره استراتژی جدید و ابتکار عمل دیپلماتیک کشورش گفت: «امریکا برای حفظ صلح خاورمیانه دست به سه ابتکار دیپلماتیک خواهد زد. اگر بخواهیم به یک نظم مسالمت‌آمیز بین‌المللی امید داشته باشیم، باید وقایع خاورمیانه را شکل دهیم و اکنون لحظه ورود آمریکا در خاورمیانه است. آمریکا برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، فعال کردن مذاکرات خودمختاری فلسطین، رفع تهدید از آغاز جنگ حد و مرز لبنان و اسرائیل، اقدام خواهد کرد. این ابتکارها به یکدیگر مربوط و با کشورهای دیگر نیز هماهنگ خواهد بود.» [صفحه ۴۴] وی سپس در مورد جنگ ایران و عراق افزود: «بیم آن می‌رود که این درگیری به کشورهای همسایه گسترش پیدا کند و موجب تغییرات گسترده و غیر قابل پیش‌بینی در توازن نیروهای منطقه بشود و فرصتی برای افزایش نفوذ شوروی به وجود بیاورد. طی هفته‌های آتی و با افزایش فعالیت برای پایان دادن به این جنگ، ما نیز به همراه دیگر اعضای نگران جامعه بین‌المللی، نقش فعال‌تری را ایفا خواهیم کرد.» [۷۹]. امریکایی‌ها در حالی که پایان بخشیدن به جنگ [۸۰] را محور فعالیت‌های خود قرار داده بودند، [۸۱] به دلیل نگرانی از ادامه جنگ و ناکامی در پایان دادن به آن، بخشی از تلاش‌های خود را برای تقویت و حمایت از عراق متمرکز کردند. در این راستا، سنای آمریکا در اسفند ۱۳۶۰ نام دولت عراق را از فهرست کشورهای به اصطلاح تروریست خارج کرد تا هیچ‌گونه مانعی برای کمک‌های اقتصادی و نظامی به عراق وجود نداشته باشد. [۸۲]. تمایل آمریکا به برقراری آتش‌بس به معنی پایان عادلانه‌ی جنگ نبود، بلکه اساساً ادامه جنگ و پیروزی ایران بر عراق بر ضد منافع آمریکا بود و تنها را تأمین منافع آمریکا، پایان جنگ، بدون برتری ایران بود. در این باره، وزیر دفاع وقت آمریکا تأکید کرد: «ما خواهان آن هستیم که این جنگ به طریقی پایان یابد که ثبات منطقه را بر هم نزند چون پیروزی ایران یقیناً در جهت منافع ملی ما نخواهد بود.» [۸۳]. این اظهارات به خوبی روشن می‌ساخت که امریکایی‌ها برای پایان دادن به جنگ در پی راه‌حلی بودند که از ارائه هر گونه امتیازی که موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی را به رسمیت بشناسد و تثبیت کند، خودداری شود. زیرا از نظر آن‌ها پیروزی ایران در صحنه جنگ و یا در [صفحه ۴۵] پشت میز مذاکره، اساساً با منافع آمریکا در تضاد بود. بنابراین، استراتژی جدید آمریکا نه تنها دورنمای روشنی را برای برقراری صلح و ثبات در منطقه ترسیم نمی‌کرد، بلکه اساساً با هدف نادیده گرفتن حقوق ایران همراه با حمایت همه جانبه از عراق، پی‌گیری می‌شد. بعدها، نیویورک تایمز در مورد علت کمک آمریکا به عراق نوشت: «تصمیم آمریکا به کمک حیاتی به بغداد آن هم در اوایل جنگ هشت ساله با ایران، نتیجه اخطار آژانس‌های (متعدد) جاسوسی آمریکا درباره این مطلب بود که عراق در آستانه ساقط شدن به وسیله ایران است.» [۸۴]. در این مرحله، تلاش‌های دیپلماتیک آمریکا با هدف کنترل پیروزی‌های ایران و حمایت از عراق طی تماس با برخی از کشورهای عربی آغاز شد. [۸۵] امریکایی‌ها همچنین در تماس با کشورهای اسلامی، ضرورت مهار فعالیت‌های نظامی ایران را یادآور شدند. [۸۶] در این حال، رادیو لندن اعلام کرد که آمریکا در صدد کسب حمایت کشورهای اسلامی مانند پاکستان، ترکیه، مالزی، اندونزی و الجزایر است. [۸۷] کمک‌های آمریکا به عراق در این مرحله علاوه بر حذف نام عراق از فهرست کشورهای تروریست، شامل لغو تحریم فروش تجهیزات به عراق، [۸۸] توافق برای برقراری روابط دیپلماتیک، ترغیب مصر برای کمک نظامی به عراق، ترغیب کشورهای عرب به افزایش کمک مالی و حمایت سیاسی از عراق و کمک اطلاعاتی آمریکا به عراق بود. حمایت‌های آمریکا از عراق با هدف افزایش اعتماد به نفس عراق برای حفظ و مهار اوضاع در برابر ایران، انجام می‌گرفت که نتایج مهمی برای این کشور در پی داشت. [صفحه ۴۶]

افزایش حمایت کشورهای میانه رو عرب از عراق

«ضعف ساختاری»، «عدم مشروعیت»، و «وابستگی به امریکا» از عوامل مهم در تأثیرپذیری کشورهای عرب میانه‌رو از امریکا بود. از سوی دیگر، التهاب و نگرانی این کشورها از پیامد پیروزی ایران بر عراق پس از فتح خرمشهر نیز بیشتر متأثر از تلاش‌های دیپلماتیک و فعالیت تبلیغاتی - روانی امریکایی‌ها بود، ضمن این که حمایت این کشورها از عراق و به نوعی مشارکت در جنگ، سرنوشت این کشورها را با سرنوشت صدام در جنگ پیوند زده بود. با توجه به این ملاحظات روزنامه واشنگتن پست نوشت: «عرب‌های خلیج فارس اگر ۲۰ ماه پیش با این تجاوز موافقت نکرده بودند، امروز در موقعیت بهتری بودند.» [۸۹]. نگرانی حاکم بر این کشورها با فتح خرمشهر تشدید شد چنان که یک محقق و استاد دانشگاه کویت در سخنرانی خود با عنوان «بحران توسعه و همکاری کشورهای منطقه» گفت: «کویت در ابتدای جنگ بی طرف بود، اما پس از فتح خرمشهر به وسیله نیروهای ایران، عرب‌ها بر خود لرزیدند و بی صبرانه به حمایت از صدام حسین برخاستند. [۹۰]. تحرکات کشورهای منطقه در چارچوب سیاست‌های جدید امریکا برای مهار تحولات ناشی از پیروزی ایران بر عراق، شکل کاملاً جدی به خود گرفت به گونه‌ای که تماس‌های محرمانه‌ای بین خانواده آل سعود، عراق، اردن، مراکش، سودان، عمان، سومالی و بعضی از کشورهای خلیج فارس ایجاد شد. [۹۱] در همین راستا، حسن، پادشاه مراکش در پیامی به ملک فهد و صدام خواستار اقدام فوری همه کشورهای عربی برای پشتیبانی دیپلماتیک از عراق شد. [۹۲] جعفر نمیری، رئیس جمهور سودان نیز در دیدار از مصر با حسنی مبارک درباره‌ی جنگ ایران و عراق و پی‌آمدهای آن گفت‌وگو کرد. وی پیشنهاد کرد، اجلاس سران عرب در مصر تشکیل شود. [۹۳] حسین، شاه اردن نیز علاوه بر تماس‌های دیپلماتیک، آمادگی اردن را برای اعزام داوطلب به میدان جنگ برای حمایت از عراق اعلام کرد. [۹۴]. [صفحه ۴۷] رادیوی عربستان با توجه به اوضاع جدید و خطرهای قریب الوقوع اعلام کرد که این مسائل، اعراب را وادار می‌سازد، بسیاری از اولویت‌ها حتی اختلاف اعراب و اسرائیل را در نظر نگیرند. [۹۵] در این حال، بر اساس گزارش محرمانه مجله المستقبل چاپ پاریس، یکی از کشورهای عربی به ایران گوشزد کرد که برخی از کشورهای عرب تصمیم سری گرفته‌اند که در وضع ویژه عملاً وارد این جنگ شوند. [۹۶]. روزنامه النهار چاپ لبنان نیز نوشت: «اعضای شورای همکاری خلیج فارس احساس می‌کند، نقش‌شان نمی‌تواند منحصر به پشتیبانی مالی از عراق باشد.» [۹۷]. برخی از نشریات چاپ کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز مواضع جدیدی را اتخاذ کردند؛ روزنامه الرأی العام چاپ کویت با درخواست از امریکا نوشت: «صدایمان اکنون برای درخواست از امریکا بلندتر می‌شود تا این جنگ را متوقف کند.» [۹۸]. سر دبیر روزنامه السیاسه چاپ کویت نیز نوشت: «عراق و به همراه او کلیه اعراب نمی‌گذارند که عراق شکست بخورد.» [۹۹]. در این میان، روزنامه کریستین ساینس مانیتور چاپ امریکا اوضاع کشورهای عربی و راه حل‌هایی را که فراروی خود داشتند به خوبی ترسیم کرد: «رویدادهای اخیر جنگ ایران و عراق، کشورهای میانه رو عرب را بر سر یک دو راهی قرار داده است: یا باید از عراق حمایت کنند و خشم ایران را موجب شوند و با خود را از ماجرا دور نگاه داشته و خطر وقوع انقلابی را در داخل کشورهایشان به سبک انقلاب اسلامی ایران بپذیرند.» [۱۰۰]. در این حال، عراقی‌ها نیز به دلیل وضعیت بحرانی خود، از اعراب درخواست کمک کردند. چنان که یک سخن‌گوی عراقی اعلام کرد: «عراق از آمادگی کشورهای عربی، برای اعزام سرباز و جنگ دوشادوش با نیروهای عراقی استقبال خواهد کرد - جهان عرب بر [صفحه ۴۸] اساس قطع‌نامه مشترک دفاعی اعراب به حمایت نظامی از عراق متعهد است، چرا که ایران حاکمیت تمام ملت عرب را تهدید می‌کند.» [۱۰۱]. صدام نیز طی سخنانی که در روزنامه السیاسه چاپ کویت منتشر شد، رسماً اعلام کرد: «اجازه بدهید صادقانه به شما بگویم، اگر ارتش مصر به بغداد بیاید [۱۰۲] ما خواهیم گفت خوش آمدید و تمام درها را برای آنها خواهیم گشود.» [۱۰۳]. طه یاسین رمضان، معاون اول صدام نیز گفت: «دولت عراق رسماً از مبارک رئیس رژیم مصر دعوت کرده است در کنفرانس غیر متعهدها که قرار

است در سپتامبر آینده در بغداد تشکیل شود، شرکت کند.» [۱۰۴]. همچنین، عراقی‌ها طی بیانیه‌ای - که رسماً در بغداد انتشار یافت - از کشورهای عربی برای اعزام سرباز درخواست کمک کردند. [۱۰۵]. برگزاری اجلاس اعضای شورای همکاری خلیج فارس و بازگشت مصر به جهان عرب، دو تحول عمده در روند جدید بودند. اجلاس فوق العاده شورای همکاری به درخواست کویت و در پی تماس تلفنی شیخ جابر الصباح امیر کویت با صدام تشکیل شد. ضرورت اتخاذ موضع یکپارچه به منظور پایان دادن به جنگ ایران و عراق، بررسی نحوه کمک رسانی به عراق، ایجاد اعتباری چند میلیارد دلاری برای کمک به بازسازی ایران و عراق پس از پایان جنگ و بررسی امنیت خلیج فارس [۱۰۶] و آخرین تحولات جنگ ایران و عراق، [۱۰۷] از جمله مواردی بود که پیش‌بینی می‌شد در این اجلاس بررسی شود. اجلاس فوق العاده وزیران خارجه کشورهای شورای همکاری سرانجام با نتیجه مبهمی پایان یافت و چنین توافق شد که در اوایل خرداد [صفحه ۴۹] گفت‌وگوها بار دیگر در ریاض از سر گرفته شود. [۱۰۸] امریکایی‌ها از اقدام این کشورها استقبال کردند، چنان‌که کریستین ساینس مانیفور نوشت: «برای مقامات وزارت خارجه امریکا خبر خوش این است که خطر ایران کشورهای طرف‌دار غرب را در حوزه خلیج فارس مجبور ساخته است که به اقدامات امنیتی مشترک خود بیفزایند.» [۱۰۹]. «بازگشت مصر به جهان عرب» نیز یکی از تحولات برجسته در سطح منطقه به شمار می‌رفت که اساساً متأثر از رخدادها و حوادث ناشی از جنگ ایران و عراق و احتمال شکست عراق بود. کوشش‌های مقدماتی این اقدام را سلطان قابوس، پادشاه عمان انجام داد. چنین تصور می‌شد که توان نظامی مصر علاوه بر کمک به عراق، می‌تواند برای حمایت از کشورهای شورای همکاری نیز به کار گرفته شود. موضع‌گیری حسنی مبارک نیز این تصورات را تقویت کرد: «می‌خواهم جای شکی باقی نگذارم که مصر هیچ‌گونه تعرضی به امنیت و حاکمیت کشورهای عرب خلیج (فارس) را نخواهد پذیرفت.» [۱۱۰]. روزنامه شرق الاوسط وابسته به سعودی‌ها نیز در مورد نقش مصر نوشت: «تحول جدید در جنگ ایران و عراق می‌تواند باعث شود تا مصر مستقیماً برای حفاظت و امنیت کشورهای عرب خلیج (فارس) دخالت کند.» [۱۱۱]. وزیر خارجه مصر در مورد امنیت عراق و اهمیت آن برای مصر رسماً اعلام کرد: «امنیت و ثبات رژیم عراق برای مصر حیاتی و مهم است و رژیم مصر آماده است در این رابطه نقش خویش را بر عهده بگیرد.» [۱۱۲]. در این مرحله مصر کمک‌های تسلیحاتی فراوانی را در اختیار عراق قرار داد. [۱۱۳] چنان‌که چهار اسکادران هواپیمای جنگی ساخت شوروی را به عراق فرستادند [۱۱۴] و کارخانه‌های اسلحه‌سازی مصر تأمین نیازهای عراق را در [صفحه ۵۰] اولویت قرار دادند. [۱۱۵] فروش تسلیحات به عراق در این مرحله بدون واسطه انجام می‌گرفت و آخرین هیئت نظامی عراق در اواخر اردیبهشت ۱۳۶۱ عازم مصر شد و این کشور انبار تسلیحات نیروهای مسلح خود را در اختیار عراق قرار داد. [۱۱۶] «اسامه الباز» مدیر دفتر امور سیاسی مبارک در کنفرانسی مطبوعاتی رسماً اعلام کرد که مصر به تأمین تجهیزات نظامی و مهمات مورد نیاز عراق ادامه خواهد کرد. [۱۱۷]. در این مرحله از جنگ با وجود تلاش امریکا برای تشکیل جبهه عربی علیه ایران، دو کشور سوریه و لیبی همچنان به حمایت از ایران ادامه می‌دادند. روزنامه واشنگتن تایمز در تحلیلی نوشت که سوریه و لیبی در برابر درخواست برای یک حرکت جمعی عربی به نفع عراق، مقاومت کرده‌اند. [۱۱۸] شاه حسین این مسئله را در دیدار دو ساعته با هیگگ، وزیر خارجه وقت امریکا به عنوان «شکاف جهان عرب» در میان گذاشت. [۱۱۹] سوری‌ها که به خاطر حمایت از ایران تحت فشار قرار داشتند، در توجیه مواضع خود اعلام کردند که با ورود نیروهای ایران به داخل خاک عراق، خطری متوجه کشورهای حوزه خلیج فارس نخواهد بود، بلکه این خطر متوجه رئیس‌جمهور عراق است و صدام باید به دلیل خساراتی که به ارتش و مردم عراق وارد آورده است، سرنگون شود. [۱۲۰].

راه حل‌های انتخابی ایران

«موقعیت برتر نظامی ایران» و «اوضاع سیاسی - اجتماعی کشور» به عنوان دو ویژگی در ارزیابی موضع‌گیری احتمالی ایران در

خصوص پایان جنگ و یا ادامه آن، مورد توجه رسانه‌های خبری جهان قرار داشت؛ خبرگزاری رویتر به نقل از منابع دیپلماتیک گزارش داد: «ایرانیان به این دلیل که پیروزند، حاضر به مذاکره نمی‌باشند». این خبرگزاری از قول یک دیپلمات افزود: «خون‌های ریخته شده در این جنگ و تنفر ایجاد شده، بیش از آن است که دیگر جایی برای مذاکرات صلح باقی بماند.» [۱۲۱]. رادیو بی.بی.سی نیز گفت: [صفحه ۵۱] «هیچ کس در ایران صرفاً به پایان دادن به جنگ پس از خروج عراقی‌ها رضایت نخواهد داد.» [۱۲۲]. هنری تانر، روزنامه‌نگار امریکایی نیز طی گزارشی در نیویورک تایمز نوشت: «در ایران اکثریت با ادامه جنگ و نفوذ قوای ایران به داخل عراق موافقت... ایران از قدرت برخوردار بوده، ولی هنوز تصمیم قطعی گرفته نشده و تنها به وسیله یک مرد، آیت‌الله خمینی، این تصمیم اتخاذ می‌شود. دیپلمات‌های خارجی می‌گویند که این فشار عمومی برای کامل کردن پیروزی را نباید سهل پنداشت خصوصاً که از طرف صدیق‌ترین پیروان دولت و بالاخص پاسداران و بسیج می‌باشد. سخن گوی مجلس و بسیاری از مقامات جوان دولت خواستار پیشروی هستند.» [۱۲۳]. در حالی که افکار عمومی کشور متأثر از درک برتری نظامی ایران بود، تصمیم‌گیری برای مسئولان بسیار پیچیده و دشوار شده بود. در این میان، مواضع برخی از مسئولان بسیار قابل توجه است؛ آقای هاشمی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در مجلس اعلام کرد: «ما هیچ‌گاه طلبی ارضی نداریم ولی برای احقاق حق خود مصمم هستیم. ایران از هیچ یک از حقوق خود صرف نظر نخواهد کرد، ما آخرین دینار حقوقمان را خواهیم گرفت و بزرگ‌ترین حق ما سقوط صدام است.» [۱۲۴]. وی چند روز بعد در نماز جمعه تهران به غرب و حامیان صدام خطاب کرد: «آیا معتقدید که ما در مرز جغرافیایی خود خواهیم نشست و به امید دریافت غرامت به آنها فرصت می‌دهیم که شهرهای ما را از داخل [خاک] خود گلوله باران کنند؟» [۱۲۵]. نخست وزیر وقت ایران، میرحسین موسوی نیز گفت: «جنگ زمانی پایان می‌یابد که تمام شرایط ما پذیرفته شده باشد.» [۱۲۶]. [صفحه ۵۲] شرایط ایران برای پایان دادن به جنگ شامل خروج بی‌قید و شرط نیروهای عراقی از سرزمین‌های اشغالی، مجازات متجاوز و پرداخت غرامت جنگی بود. [۱۲۷] بنا بر گزارش مفسر رادیو لندن، پی‌گیری این خواست‌ها برای ایران حیاتی بود و حتی کسانی که مایل به ادامه جنگ تا سرنگونی صدام نبودند و تا اندازه‌ای عملی‌تر فکر می‌کردند نیز به چیزی کمتر از این خواسته نمی‌توانستند راضی شوند. [۱۲۸]. با توجه به این ملاحظات، ایران سه راه حل فرا روی خودت داشت: نخست آن که بدون در نظر گرفتن خواسته‌های خود و تنها بر اثر فشارهای بین‌المللی و در حالی که نیروهای عراقی همچنان در مناطق اشغالی حضور داشتند، [۱۲۹] آتش بس را به عنوان پیش شرط هرگونه اقدام دیگر می‌پذیرفت. [۱۳۰]. در این صورت، مذاکرات سیاسی تنها راه حل ایران برای پی‌گیری خواسته‌هایش بود. راه حل دوم، «ترک مخاصمه بدون اتمام جنگ» بود؛ بدین معنا که ایران آتش بس را نپذیرد ولی در عین حال از ورود به داخل خاک عراق خودداری کرده و در مرزهای خود استقرار یابد. راه حل سوم، «تلاش نظامی برای تأمین صلح شرافتمندانه» بود. بی‌شک، ایران با فتح خرمشهر در موقعیت برتر سیاسی - نظامی قرار گرفت و بنا به نظر امام خمینی، می‌توانست از موضع قدرت سخن بگوید. [۱۳۱] در این حال، تهدیدات امریکا و تلاش متحدان عراق برای حفظ صدام نیز آشکار و غیرقابل تردید بود؛ چنان که لیبراسیون نوشت: «امریکا اروپا و برخی از کشورهای منطقه، ابتکارات متعددی را برای پایان دادن به جنگ به کار گرفتند تا از سقوط صدام جلوگیری کنند.» [۱۳۲]. [صفحه ۵۳] ایران، در این اوضاع برای تأمین خواسته‌های برحق خود، چه راه حلی را می‌توانست برگزیند؟ بی‌گمان، راه حل نخست با توجه به ماهیت تلاش‌هایی که امریکا تحت پوشش برقراری آتش بس پی‌گیری می‌کرد، نمی‌توانست نتیجه‌ای برای ایران داشته باشد، زیرا امریکایی‌ها از موقعیت برتر ایران نگران بودند و تمام تلاش خود را برای مهار و تضعیف ایران سازمان‌دهی کرده بودند. بدین ترتیب، امریکایی‌ها از دادن هرگونه امتیازی به ایران از جمله تعیین متجاوز و با پرداخت غرامت که موجب تثبیت موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران و تشدید بی‌ثباتی در عراق می‌شد، خودداری می‌کردند؛ بنابراین راه حل نخست به زیان ایران بود. راه حل دوم نیز در عمل به سود عراق و امریکا بود، زیرا در صورت اقدام ایران در ترک مخاصمه و توقف تهاجمات خود، عراق فرصت می‌یافت با حمایت امریکا، اروپا و

کشورهای منطقه، تجدید قوا کرده و بار دیگر مرزهای ایران را مورد تجاوز قرار دهد. بدین ترتیب راه حل دوم نیز به زیان ایران بود. انتخاب راه حل اول یا دوم قطعاً مطلوب امریکا و تمام متحدان عراق بود، زیرا آنچه این کشورها را نگران می‌کرد، ادامه جنگ و کشاندن آن به داخل خاک عراق به وسیله ایران و سقوط احتمالی صدام بود. بدین ترتیب، با در نظر گرفتن تمام ملاحظاتی که به آن اشاره شد، ایران در واقع به جز راه حل سوم، راه حل دیگری فرا روی خود نداشت. امام در توضیح انتخاب این راه حل فرمودند: «ما اگر مجرم را امروز رهاش کنیم، امروزی که ما قدرت داریم... این معنای آتش بس نیست. این معنای صلح نیست.» [۱۳۳]. سرانجام، جنگ با ورود ایران به داخل خاک عراق، با هدف «تنبیه متجاوز» [۱۳۴] و تأمین حقوق مشروع ایران و اجتناب از فرسایش روحی و مادی و جلوگیری از حملات دوباره‌ی عراق به مرزهای ایران، با عملیات رمضان در ۲۳ تیر ۱۳۶۱ ادامه یافت. [صفحه ۵۹]

گزیده‌ای از پیام امام خمینی به مناسبت فتح خرمشهر

بسم الله الرحمن الرحيم ... اینجانب با یقین به آنکه «النصر الامن عند الله» از فرزندان اسلام و قوای سلحشور مسلح که دست قدرت حق از آستین آنان بیرون آمد و کشور بقیه الله الاعظم ارواحنا لمقدمه الفداء را از چنگ گرگان آدم‌خوار که آلت‌هایی در دست ابر قدرتان خصوصاً امریکای جهان خوارند، بیرون آورد و ندای الله اکبر را در خرمشهر عزیز طنین‌انداز کرد و پرچم پر افتخار «لااله الا الله» را بر فراز آن شهر خرم که با دست پلید خیانت کاران قرن به خون کشیده شده و خونین شهر نام گرفت تشکر می‌کنم. و آنان فوق تشکر امثال من هستند. آنان به یقین مورد تقدیر ناجی بشریت و برپا کننده عدل الهی رد سراسر گیتی روحی لتراب مقدمه الفدا می‌باشند. آنان به آرم «ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی» مفتخرند. مبارک باد و هزاران بار مبارک باد بر شما عزیزان و نور چشمان اسلام این فتح و نصر عظیم که با توفیق الهی و ضایعات کم و غنائم بی‌پایان و هزاران اسیر گمراه و مقتولین و آسیب دیدگان بدبخت که با فریب و فشار صدام تکریتی، این ابر جنایتکار دهر، به تباهی کشیده شده‌اند، سرافرازانه برای اسلام و میهن عزیز افتخار ابدی به هدیه آوردید و مبارک باد بر فرماندهان قدرتمند که فرماندهان چنین فداکارانی هستند که ستاره درخشانده پیروزی‌های آنان بر تارک تاریخ تا نفع صور نورافشانی خواهد کرد و مبارک باد بر ملت عظیم الشان ایران این چنین فرزندان سلحشور و جان بر کفی که نام آنان و کشورشان را جاویدان کردند و مبارک باد بر اسلام بزرگ این متابعانی که در دو جبهه جنگ با دشمن باطنی و دشمنان ظاهری پیروزمندانه و سرافراز امتحان خویش را دادند و برای اسلام سرافرازی آفریدند... و السلام علی عبادالله الصالحین روح الله الموسوی الخمينی ۳ خرداد ۱۳۶۱

پاورقی

[۱] محسن رضایی، درس‌های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه دوره عالی جنگ، ۱۹ / ۴ / ۱۳۷۴. [۲] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خونین شهر تا خرمشهر، نوشته محمد درودیان، تهران ۱۳۷۳، ص ۱۰۵. [۳] در کتاب دفاع مقدس از انتشارات نیروی زمین ارتش جمهوری اسلامی، لشکر ۹ زرهی، تیپ گارد جمهوری، تیپ‌های نیروی مخصوص و بیش از ده تیپ دیگر به عنوان استعداد دشمن در این منطقه ذکر شده است. [۴] همان، ص ۱۱۱. [۵] متأسفانه در جزوه «نقد کتاب از خونین شهر تا خرمشهر» - از انتشارات اداره آموزش ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی - بدون توجه به این ظرافت‌ها، برای مخدوش کردن اصل تاکتیک عبور از رودخانه و پیشنهاد سپاه، بر این موضوع تأکید شده است که «برادران سپاه سه سرپل گیری محدود اعتقاد داشتند» حال آن که از همان آغاز و برابر گزارش جلسات بحث مانور که نوارهای آن در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ موجود است، فرماندهی کل سپاه، عملیات عبور از رودخانه را تلاش اصلی خوانده و تصرف سرپل وسیع را مورد تأکید قرار می‌داد. تصرف سرپل کوچک تنها بر اساس این نگرانی مطرح می‌شد که در صورت هوشیاری دشمن و چسبیدن

نیروهایش به کناره‌های رودخانه کارون، راه کار عملیات بسته خواهد شد، لذا بهتر بود، هر چه زودتر سرپلی کوچک تصرف شود.

[۶] مأخذ ۱، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵. [۷] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصلنامه تاریخ جنگ، نشریه شماره ۱۱، آبان ۱۳۷۴، ص ۳۲، سخنرانی سردار غلامعلی رشید در سمینار مشورتی فرماندهان سپاه. [۸] برخی از تحلیل‌گران خارجی نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند. [۹] همان. [۱۰] سردار غلامعلی رشید در این زمینه می‌گوید: «اندیشه دفاعی سپاه، در فتح خرمشهر شکل گرفت. در عملیات بیت المقدس درک عمیق‌تری از طرح ریزی عملیات در بدنه سازمان سپاه رسوخ کرد. فرماندهان لشکرها، فرماندهان قرارگاه‌ها، درک بهتر و عمیق‌تری کسب کردند.» (پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع) مجله «سیاست دفاعی»، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۷۶). [۱۱] غلامعلی رشید، «شرایط و ضرورت‌های تولد، رشد، تثبیت و گسترش سپاه در جنگ «مجله سیاست دفاعی، (پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع))»، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۷۶، ص ۱۴. [۱۲] سپاه طی ۹ ماه یعنی از عملیات ثامن الائمه (ع) در مهر ۱۳۶۰ که با ۱۵ گردان وارد عملیات شد تا خرداد ۱۳۶۱ که ۱۰۰ تا ۱۲۰ گردان در عملیات بیت المقدس به کار گرفت. در واقع به میزان ۱۰ برابر رشد کرد. [۱۳] نوار ضبط شده و موجود در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ از جلسات مشترک ارتش و سپاه در قرارگاه کربلا، دلالت بر صحت این نظر دارد. [۱۴] مأخذ ۱، ۱۹ / ۵ / ۱۳۷۴. [۱۵] همان. [۱۶] همان. [۱۷] آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، درسهایی از جنگ مدرن، جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۱۴۶ (منتشر نشده). [۱۸] ویلیام اف هیکمن یکی از فرماندهان نیروی دریایی آمریکا و عضو هیئت مدیره فدرال برنامه مطالعات خارجی برو کینگز در مورد مراحل جنگ می‌نویسد: «در جریان مرحله‌ی اول که حدود هفت هفته ادامه داشت، نیروهای عراقی در موضع تهاجمی قرار داشتند. در مرحله‌ی دوم که اوایل نوامبر (نیمه آبان) تا تابستان ۱۹۸۱ میلادی (۱۳۶۰) را دربر می‌گیرد، جنگ در بن‌بست قرار داشت و در طی آن، نیروهای عراقی در موضع دفاعی مستقر شدند و از سوی دیگر، تلاش‌های ایران برای صورت دادن کارها در جبهه به دلیل وجود جنگ قدرت در تهران، ناکام ماند...» (ویلیام اف هیکمن، ارتش از هم پاشیده و از نو متولد شده در سال ۱۹۸۲، ترجمه گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۷۳). [۱۹] روزنامه واشنگتن پست چاپ آمریکا نوشت: «به عقیده کارشناسان نظامی غرب، این دو حمله گسترده نیروهای ارتش ایران به عراقی‌ها، نقطه عطف محسوب می‌شود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، «گزارش‌های ویژه» ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۱، رادیو آمریکا، ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۱). [۲۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۱. [۲۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو صدای ایران، ۲۳ / ۲ / ۱۳۶۱. [۲۲] برخی از کارشناسان مقاومت ایران را در خرمشهر با مقاومت روس‌ها در جنگ جهانی دوم در استالین گراد مقایسه کردند و از خرمشهر به عنوان استالین گراد عراق نام بردند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو لندن، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱). [۲۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو لندن، ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۱. [۲۴] روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از روزنامه فرانسوی فرانس سواز. [۲۵] روزنامه نیویورک تایمز نیز عقب نشینی عراق را به عنوان بزرگ‌ترین شکست در طول جنگ ذکر کرد. (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۱). [۲۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از آسوشیتدپرس، بیروت، ۲ / ۳ / ۱۳۶۱. [۲۷] روزنامه حریت چاپ آنکارا نوشت: «با شکست سختی که بر عراقی‌ها در منطقه خرمشهر وارد آمد، پیروزی ایران در این جنگ قطعی شد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲۰ / ۲ / ۱۳۶۱). [۲۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو لندن، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱. [۲۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو لندن. [۳۰] مأخذ ۱۶، به نقل از رادیو لندن، ۲ / ۳ / ۱۳۶۱. [۳۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، ۲۴ / ۱ / ۱۳۶۱، روزنامه نیویورک تایمز. [۳۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۱. [۳۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۱. [۳۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی،

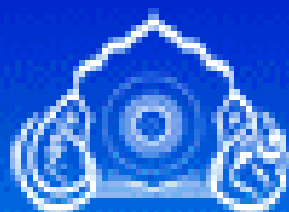
«گزارش‌های ویژه»، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری فرانسه. [۳۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱. [۳۶] روزنامه اطلاعات، ۲۱ / ۲ / ۱۳۶۱، ضمیمه سیاسی. [۳۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱. [۳۸] روزنامه الاهرام در این زمینه نوشت: «هیچ کس انتظار نداشت خرمشهر با این سرعت به دست ایرانیان بیفتد. باز پس‌گیری خرمشهر با این سرعت تکان دهنده است، زیرا عراقی‌ها بیست ماه پیش پس از آن که خرمشهر به دستشان افتاد، سه خط دفاعی قوی در داخل خاک ایران تشکیل داده بودند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲ / ۳ / ۱۳۶۱، خبرگزاری یونایتدپرس از قاهره). [۳۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۳ / ۲ / ۱۳۶۱. [۴۰] همان، به نقل از یونایتدپرس. [۴۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۱ / ۲ / ۱۳۶۱. [۴۲] مآخذ ۲۷. [۴۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱. [۴۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۱. [۴۵] نیویورک تایمز در این مورد نوشت: «صدام آبروی خود و شهرت عراق را در گروی پیروزی در این جنگ قرار داد، زیرا وی رهبری مستقیم جنگ را به عهده داشت.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱). [۴۶] مآخذ ۲۶. [۴۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۶ / ۳ / ۱۳۶۱. [۴۸] روزنامه اطلاعات، ۸ / ۳ / ۱۳۶۱، ویژه‌ی جنگ. [۴۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۹ / ۳ / ۱۳۶۱. [۵۰] مآخذ ۱۷. [۵۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱ / ۱۳۶۱، به نقل از مجله نیویورک. [۵۲] مآخذ ۱۳، به نقل از رادیو آلمان، ۲۳ / ۲ / ۱۳۶۱. [۵۳] مآخذ ۱۷، به نقل از تلویزیون آلمان غربی. [۵۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۳ / ۲ / ۱۳۶۱، نشریه نشنال بیزنس دیوید، چاپ نیوزلند. [۵۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۴ / ۲ / ۱۳۶۱. [۵۶] وزیر خارجه به وقت فرانسه (کلودشسون) رسماً اعلام کرد: «فرانسه از عراق حمایت می‌کند.» وی درباره‌ی ادامه جنگ و ورود ایران به داخل خاک عراق گفت: «در این صورت، ایران به خاک عراق وارد نخواهد شد، بلکه به یک مجموعه وارد می‌شود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۱، کانال ۲ تلویزیون فرانسه). [۵۷] مآخذ ۲۹، خبرگزاری فرانسه به نقل از روزنامه الجمهوریه. [۵۸] مآخذ ۴۱، به نقل از رادیو صدای آزاد ایران، روزنامه زود دوپچه سایتونگ چاپ آلمان. [۵۹] مآخذ ۴۲. به نقل از آسوشیتدپرس. [۶۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۳ / ۲ / ۱۳۶۱. [۶۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو لندن، ۲۹ / ۲ / ۱۳۶۱. [۶۲] بعدها، به موازات موقعیت برتر ایران پس از عملیات‌های خیبر، بدر، فاو و کربلای ۵، اقدامات عراق در حمله به مراکز نفتی و صنعتی ایران و حمله به مردم بی‌دفاع در شهرها، افزایش یافت. [۶۳] روزنامه لوس آنجلس تایمز نوشت: «حمله ایران که روز جمعه آغاز شد برای آمریکا از اهمیت بسیاری برخوردار است و چنین به نظر می‌رسد که پیروزی ایران آرامش دوستان آمریکا را در منطقه به هم خواهد زد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۶ / ۲ / ۱۳۶۱). [۶۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، «گزارش‌های ویژه»، ۹ / ۲ / ۱۳۶۱، خبرگزاری آلمان به نقل از روزنامه الاهرام. [۶۵] پیشین، به نقل از روزنامه گونش چاپ ترکیه، منابع دیپلماتیک در بروکسل. [۶۶] مآخذ ۱۷، به نقل از رادیو اسرائیل، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱. [۶۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۱. [۶۸] روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱. [۶۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۷ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو آمریکا، ۷ / ۳ / ۱۳۶۱. [۷۰] مآخذ ۳۱، به نقل از خبرگزاری رویتر. [۷۱] در این مورد در صفحات بعد توضیح داده خواهد شد. در عین حال، حمایت سوریه و لیبی از ایران موجب نگرانی آمریکا و به عنوان تیره شدن مناسبات کشورهای عربی ذکر شده است. [۷۲] مآخذ ۳۴، به نقل از رادیو آمریکا، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱، وال استریت ژورنال. [۷۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۵ / ۱ / ۱۳۶۱، به نقل از کریستین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا. [۷۴] روزنامه واشنگتن پست، ۳ / ۴ / ۱۳۶۱. [۷۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۶ / ۴ / ۱۳۶۱، خبرگزاری کویت به نقل از مقامات وزارت خارجه آمریکا. [۷۶] همان. [۷۷] روزنامه اطلاعات ۲۱ / ۲ / ۱۳۶۱، ضمیمه سیاسی، به نقل از

مجله‌ی اشپیگل چاپ آلمان. [۷۸] مأخذ ۳۴، به نقل از رادیو امریکا، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱. [۷۹] همان، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس. [۸۰] روزنامه سووتیسکایا روسیا چاپ شوروی با تأکید بر پایان دادن به جنگ نوشت: «ادامه جنگ ایران و عراق تنها به نفع امریکا است که برای دخالت نظامی در منطقه خلیج فارس مترصد فرصت مناسب می‌باشد و پنتاگون تاکنون انجام این عملیات وسیع را طرح‌ریزی کرده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۱، خبرگزاری فرانسه). [۸۱] سخن‌گوی رسمی وزارت خارجه امریکا اعلام کرد: امریکا هشدار خود را به آتش‌بس فوری مرتباً ادامه داده و خواستار رسیدگی به راه حل مسالمت‌آمیز می‌باشد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱ رادیو امریکا، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱). [۸۲] مأخذ ۴۸، خبرگزاری آلمان به نقل از روزنامه الاهرام. [۸۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱، خبرگزاری رویتر به نقل از کاسپر واینبرگر. [۸۴] روزنامه نیویورک تایمز، ۲۶ ژانویه ۶ / ۱۱ / ۱۳۷۰ (۱۹۹۲). [۸۵] مأخذ ۱۷، به نقل از رادیو ترکیه، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱. [۸۶] همان، خبرگزاری فرانسه به نقل از یک مسئول وزارت خارجه امریکا. [۸۷] همان، به نقل از رادیو لندن، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱. [۸۸] مشاور کمیته روابط خارجی سنای امریکا در این مورد گفت: «این عمل امریکا به منظور تنبیه ایران و بازکردن راهی برای عراق از بن‌بست موجود می‌باشد. ایران در جنگ با عراق از برتری محسوسی برخوردار است و این واقعه ناخوشایندی برای امریکاست.» (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خونین شهر تا خرمشهر، نوشته محمد درودیان، بهار ۱۳۷۲، ص ۱۸۶) در این مرحله وزارت بازرگانی امریکا - با وجود اعتراض برخی از اعضای کنگره امریکا - اجازه نامه‌ای برای فروش هواپیماهای بازی «ان - ۱۰۰» به عراق را برای شرکت لاکهید صادر کرد. برابر گزارش آسوشیتدپرس، این هواپیما نوع غیر نظامی باری «سی - ۱۳۰» محسوب می‌شوند که مورد استفاده نظامی هم واقع می‌شود. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۶ / ۳ / ۱۳۶۱، آسوشیتدپرس). [۸۹] همان، به نقل از واشنگتن پست. [۹۰] دفتر مطالعات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، «سمینار توسعه و ثبات کشورهای منطقه خلیج فارس»، دی ۱۳۷۵. [۹۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از نشریه نشنال بیزینس دیوید، چاپ نیوزلند. [۹۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو کلن و رادیو عربستان، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۱. [۹۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۲ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو امریکا، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۱. [۹۴] روزنامه اطلاعات، ۲۱ / ۲ / ۱۳۶۱، ضمیمه سیاسی، به نقل از مجله اشپیگل چاپ آلمان. [۹۵] مأخذ ۴۱، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس و رادیو عربستان. [۹۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱. [۹۷] مأخذ ۴۸، به نقل از بیروت. [۹۸] مأخذ ۵۳، به نقل از خبرگزاری کویت. [۹۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۲ / ۲ / ۱۳۶۱. [۱۰۰] مأخذ ۱۷، به نقل از رادیو امریکا. [۱۰۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲ / ۳ / ۱۳۶۱، خبرگزاری فرانسه به نقل از خبرگزاری عراق. [۱۰۲] حسنی مبارک پس از اظهارات صدام اعلام کرد که مصر قصد ندارد برای کمک به عراق نیرو اعزام کند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱، آسوشیتدپرس). [۱۰۳] مأخذ ۲۴، به نقل از خبرگزاری رویتر. [۱۰۴] مأخذ ۷۳، خبرگزاری یونایتدپرس، به نقل از هفته‌نامه الشعب چاپ عراق. [۱۰۵] مأخذ ۲۴، به نقل از رادیو لندن، ۲ / ۳ / ۱۳۶۱. [۱۰۶] وزیر کشور سعودی اعلام کرد: «قرار است در ماه نوامبر (آبان - آذر) یک قرارداد مشترک امنیت داخلی که شش عضو شورا را به هم مربوط می‌سازد، تصویب شد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، [۱۰۷] مأخذ ۴۸، خبرگزاری خاورمیانه، به نقل از روزنامه عکاظ چاپ عربستان. [۱۰۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از روزنامه گاردین، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۱. [۱۰۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۱. [۱۱۰] مأخذ ۲۳، به نقل از نشریه اکونومیست، ۱۵ مه. [۱۱۱] مأخذ ۲۹. [۱۱۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۲ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری فرانسه از بغداد. [۱۱۳] برابر برخی گزارش‌ها، کمک‌های مصر به دولت عراق از یک سال و نیم پیش شروع شده بود، ولی این کمک‌ها در مرحله جدید علاوه بر این که آشکار شد: شکل جدیدی نیز به

خود گرفت. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱، خبرگزاری فرانسه از قاهره). [۱۱۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۰ / ۲ / ۱۳۶۱، منبع نظامی آگاه در بیروت. [۱۱۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۳۱ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو اسرائیل، ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۱. [۱۱۶] پیشین، خبرگزاری یونایتدپرس، به نقل از روزنامه الاهرام. [۱۱۷] مأخذ ۳۸ به نقل از خبرگزاری فرانسه. [۱۱۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۳۱ / ۲ / ۱۳۶۱. [۱۱۹] روزنامه اطلاعات، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۱، یونایتدپرس. [۱۲۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۱ به نقل از نشریه نشنال بیزینس دیوید، چاپ نیوزلند. [۱۲۱] مأخذ ۹۱، به نقل از خبرگزاری رویتر. [۱۲۲] مأخذ ۲۶، به نقل از رادیو لندن، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱. [۱۲۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۲ / ۲ / ۱۳۶۱. [۱۲۴] همان، آسوشیتدپرس. [۱۲۵] مأخذ ۵۳، به نقل از آسوشیتدپرس. [۱۲۶] مأخذ ۲۹، به نقل از خبرگزاری فرانسه، روزنامه جمهوری اسلامی. [۱۲۷] مأخذ ۹۱. [۱۲۸] مأخذ ۹۹. [۱۲۹] پس از فتح خرمشهر ۵ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران در اشغال عراق بود. عراقی‌ها با اعلام عقب نشینی از خاک ایران ۲۵۰۰ کیلومتر را تخلیه و مابقی مناطق را که شامل ارتفاعات سرکوب و معابر نفوذی بود در اشغال نگه داشتند. این اقدام عراق بیانگر آمادگی برای جنگ بود، زیرا کشوری که به دنبال صلح است، مناطق اشغالی را برای مذاکره حفظ می‌کند ولی عقب نشینی ناقص بیانگر مقاصد نظامی عراق بود. [۱۳۰] دکتر رجایی خراسانی نماینده وقت ایران در سازمان ملل می‌گوید: «علی رغم قبول برتری ایران، تمامی اعضای شورای امنیت سازمان ملل بر این مسئله پافشاری می‌کردند که ایران باید ابتدا آتش‌بس را بپذیرد.» (مصاحبه اختصاصی نویسنده کتاب با دکتر رجایی خراسانی). [۱۳۱] وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۶ (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی). [۱۳۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۷ / ۳ / ۱۳۶۱. [۱۳۳] مأخذ ۱۰۶. [۱۳۴] مأخذ ۱، سال ۱۳۷۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

